

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

جزوه آموزشی برگرفته از کتاب

# اخلاق پزشکی

تألیف: نعمت الله یوسفیان

فصول: ۱/۲/۳/۴/۵/۶/۹/۱۰/۱۱/۱۲/۱۳/۱۴/۱۵

نام درس: اخلاق اسلامی

نام مدرس: احسان فردآقایی

تعداد صفحات: ۳۴ صفحه

## درس اول: کلیات اخلاق پزشکی

بدون تردید، تنها راه سعادت، تهذیب نفس در چارچوب عقل و شرع است. اهمیت و ضرورت خودسازی به حدی است که خداوند در قرآن، پس از یازده سوگند، می‌فرماید:

قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا (شمس: ۹-۱۰)

هر کس نفس خود را پاک کرده، رستگار شده و آن که نفس خویش را با معصیت آلوده ساخته، نومید و محروم گشته است. رسول اکرم (ص) درباره فلسفه بعثت خویش می‌فرماید:

أَنَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ

همانا من برانگیخته شدم تا فضایل اخلاقی را به کمال رسانم.

## مفهوم‌شناسی اخلاق

واژه «اخلاق» جمع «خُلُق» و به معنای خوبیها، سرشت و سنجیه است. در کتابهای لغت، واژه «خُلُق» با واژه «خَلَق» هم ریشه دانسته شده است؛ «خُلُق» یعنی صورت باطنی انسان و «خَلَق» یعنی شکل و صورت ظاهری انسان. هر یک از این دو، صورتی زیبا یا زشت دارند که یکی به چشم سر دیده می‌شود و دیگری به دیده بصیرت.

رایج‌ترین معنای اصطلاحی «اخلاق» در میان دانشمندان اسلامی عبارت است از: صفات و ویژگیهای پایدار در نفس که موجب می‌شوند کارهایی متناسب با آن صفات، به طور خود جوش و بدون نیاز به تفکر و تأمل، از انسان صادر شود. مرحوم نراقی در تعریف اخلاق می‌گوید:

اخلاق، ملکه‌ای نفسانی است که موجب می‌شود کارها به آسانی و بدون نیاز به تفکر و اندیشه از انسان صادر شود.

اگر این ملکه و حالت نفسانی به گونه‌ای باشد که کارهای زیبا و پسندیده از آن صادر شود، آن را «اخلاق خوب» نامند و اگر افعال زشت و ناپسند از آن صادر گردد، آن را «اخلاق بد» گویند.

از این رو، اخلاق به خوب و بد یا فضایل و رذایل تقسیم می‌شود. فضایل اخلاقی، ویژگیهای اخلاقی پسندیده همه انسانها هستند و رذایل برای همگان ناپسند شمرده می‌شوند.

## اخلاق پزشکی

امروزه پژوهشهای فراوانی در زمینه مباحث اخلاقی سامان یافته است. اخلاق کاربردی، یکی از این پژوهشهاست. اخلاق کاربردی، عبارت است از: کاربرد و تطبیق استدلالها، اصول، ارزشها و ایده‌آلهای اخلاقی درباره رفتارهای اخلاقی، اعم از رفتارهای فردی و اجتماعی، با توجه به معضلات و تعارضات اخلاقی.

امروزه کمتر فعالیتی از فعالیتهای روزمره بشری را می‌توان نام برد که به عنوان یکی از شاخه‌های اخلاق کاربردی، بررسی نشده باشد یا نتوان از آن در اخلاق بحث کرد. اخلاق دانش‌اندوزی، اخلاق پژوهش، اخلاق نقد، اخلاق گفت‌وگو، اخلاق محیط زیست، اخلاق سیاست، اخلاق جنسی، اخلاق همسرمداری و اخلاق معیشت را می‌توان از مباحث مربوط به اخلاق کاربردی به شمار آورد.

اخلاق کاربردی شامل «اخلاق حرفه‌ای» نیز می‌شود. منظور از اخلاق حرفه‌ای، اخلاق مشاغل است؛ مانند: اخلاق تجارت، اخلاق روزنامه‌نگاری و اخلاق پزشکی.

## ضرورت و اهمیت اخلاق پزشکی

اخلاق از ضروریات زندگی بشر است. انسانها برای زندگی کردن در کنار یکدیگر و تداوم حیات اجتماعی خود، نیاز مبرم به اخلاق دارند و بدون آن رو به انحطاط خواهند گرایید.

امیر مؤمنان می‌فرماید:

لَوْ كُنَّا لَا نَرْجُو جَنَّةَ وَلَا نَخْشَى نَاراً وَلَا ثَوَاباً وَلَا عِقَاباً، لَكَانَ يَنْبَغِي لَنَا أَنْ نَطْلُبَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ، فَأَنَّهَا مِمَّا تَدُلُّ عَلَى سَبِيلِ النَّجَاحِ

اگر امیدی به بهشت و ثواب و بیمی از دوزخ و عقاب نداشته باشیم، باز شایسته است که در پی کسب مکارم اخلاق باشیم؛ چون آنها راهنمای راه نجاتند.

همه مردم باید پایبند به اخلاق باشند؛ اما آراسته شدن صاحبان برخی مشاغل به برخی صفات شایسته‌تر است، چنان که حضرت محمد (ص) می‌فرماید:

عدل، سخاوت، تقوا، صبر، توبه و حیا [برای همگان] خوب است؛ ولی [در این میان] عدل برای زمامداران، سخاوت برای ثروتمندان، تقوا برای عالمان دین، صبر برای فقیران، توبه برای جوانان و حیا برای بانوان خوب‌تر و شایسته‌تر [از دیگران] است.

همچنین پرهیز از پاره‌ای از ردای اخلاقی برای بعضی افراد ضرورت بیشتری دارد؛ چنان که امام علی (ع) می‌فرماید:

زشتی نه چیز از نه گروه، بیشتر از دیگران است:

۱. بدخلقی از پادشاهان و حاکمان؛

۲. بخل از ثروتمندان؛

۳. زود خشم گرفتن و عصبانی شدن از عالمان؛

۴. جوانی کردن از پیرمردان؛

۵. قطع رابطه کردن از بزرگان قوم؛

۶. دروغ از قضاات؛

۷. رشوه از پزشکان؛

۸. بدزبانی از زنان؛

۹. به سختی مجازات کردن از صاحبان قدرت.

بنابراین پاره‌ای از ویژگیهای اخلاقی، علاوه بر کاربرد عمومی، برای جامعه پزشکی، با توجه به حساسیت شغلی آنان، ضرورت و اهمیت دو چندان دارد. برای این‌گونه ویژگیها می‌توان در روایات معصومین (ع) ردپایی را پیدا کرد که در این نوشتار به بعضی از آنها استناد خواهیم کرد.

## پیشینه اخلاق پزشکی

اخلاق از دیرباز، جزء لاینفک پزشکی بوده است. اخلاق در حوزه پزشکی - با توجه به جایگاه علوم پزشکی که به شرافت وجود و اهمیت حفظ نفس انسانی در ارتباط است و با در نظر گرفتن کاربرد وسیع طب در سلامت انسانها و سابقه تخلفات فراوان از چارچوبهای انسانی و اسلامی در تاریخ طب - از گذشته‌های دور از اهمیتی خاص برخوردار بوده است.

اخلاق پزشکی، دورانهای گذشته بیش از همه با تفکرات فیلسوفان بزرگ، مانند: سقراط، افلاطون و ارسطو، پیوند و نزدیکی داشته است. این متفکران یونانی، علم اخلاق را در کنار علم پزشکی فرا گرفته بودند و آن را «هنر زیستن» و «مراقبت و مواظبت از نفس» توصیف می‌کردند. در همان دوران، بقراط سوگندنامه معروف خود را تنظیم کرد. بقراط اولین کسی بود که مبانی اخلاقی را در قالب «قَسَمَ نامه» با طبابت درآمیخت. سوگندنامه بقراط، در حقیقت به منزله تعهدنامه اخلاقی در حرفه پزشکی محسوب می‌شد که در آن بر اصول اخلاقی حرفه پزشکی تأکید شده است.

با پدید آمدن نظریات مختلف در حیطه فلسفه اخلاق، حوزه اخلاق پزشکی تحت تأثیر قرار گرفت. مهم‌ترین مکاتب فلسفی اثر گذار در این حیطه، مکتب وظیفه مدار «کانت»، مکتب اخلاقی نفع‌مدار و مکتب اخلاقی فضیلت مدار است. ادیان و آموزه‌های مذهبی نیز در شکل‌گیری اخلاق پزشکی در جوامع نقشی بی‌بدیل داشته‌اند. اسلام و علمای اسلامی، به ویژه در دوران شکوفایی علوم در تمدن اسلامی، توجه شایانی به اخلاق در طب داشته‌اند که در آثار دانشمندان آن عصر به خوبی هویدا است. برای نمونه، محمد بن زکریای رازی آثاری در زمینه اخلاق پزشکی نوشت. کتاب «طب روحانی» او نیز درباره اخلاق است. در کتابهای دیگر او، همچون کتاب بسیار معتبر «الحاوی فی الطب» و رساله‌های «سرّ الطلب»، «محنة الطیب» و «خواص التلامیذ» نیز اشارات او به اخلاق پزشکی و احترام به آیین و سنن پزشکی به خوبی نمایان است.

علی بن مجوس اهوازی، در کتاب «کامل الصناعه الطبیه» بابتی را به اخلاق پزشکی اختصاص داده است. وی در پندنامه خود نیز که از سوگندنامه بقراط بسیار کامل‌تر و جامع‌تر است، اصول اخلاقی لازم برای پزشکان را آورده است.

ابوعلی سینا، چهره سرشناس طب در ایران و جهان - که ۱۶ کتاب از بیش از ۱۰۰ اثر او در زمینه طب است - در کتابهای خود، رهنمودهای ارزنده‌ای درباره راه و رسم معلمی و طبابت آورده است. کتاب «ادب الطیب»، نوشته اسحاق بن علی الرهاوی، از تألیفات ارزشمند در اخلاق پزشکی است.

پیشرفت دانش پزشکی در دو قرن اخیر، بر ضرورت و اهمیت پرداختن به اخلاق پزشکی افزوده و منجر به تغییر و تحولاتی عمیق در اخلاق پزشکی شده است؛ به گونه‌ای که در حال حاضر در بسیاری از کشورهای جهان، اخلاق پزشکی به صورت علمی و عملی با شیوه‌های جدید مطرح است. در کشور ما نیز در ده اخیر شاهد رشد روزافزون گرایش دانشمندان و پزشکان به این بحث بوده‌ایم که فعالیتهای قابل توجه و چشمگیری را در پی داشته است؛ تأسیس مرکز تحقیقات اخلاق پزشکی، تشکیل کمیته ملی اخلاق پزشکی در تحقیقات، طراحی کمیته‌های منطقه‌ای اخلاق پزشکی در تحقیقات در دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور، تدوین کدهای اخلاق پزشکی در تحقیقات، فعالیتهای انتشاراتی و تشکیل کمیته ملی اخلاق زیستی، از عمده‌ترین اقدامات وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در موضوع اخلاق پزشکی در کشور است.

## درس دوم: مبانی اخلاق پزشکی

منظور از «مبانی اخلاق پزشکی» عبارت است از: زیرساخت اعتقادی و فلسفی و نوع بینش نسبت به مبدأ هستی و جهان و انسان که نظام اخلاقی در حوزه پزشکی بر آن مبتنی است.

مبانی اخلاق پزشکی را می‌توان در محورهای زیر خلاصه کرد:

## ۱. مبانی اعتقادی

بدون تردید، اخلاق پزشکی بر شناخت و جهان بینی مبتنی است. تا انسان نداند از کجا آمده، برای چه آمده، به کجا می‌رود، رابطه‌اش با خود، خدا و جهان چگونه باید باشد و تا نداند کیست و چه می‌تواند بشود امکانات وجودی‌اش چیست و به طور خلاصه بودن و شدن او در ارتباط با جهان هستی چه مفهومی دارد، اخلاق معنا و شکل معتدل و منطقی نخواهد یافت.

از منظر جهان بینی اسلامی «مبدأ»، «معاد» و «نبوت» شالوده اولیه اخلاق در همه عرصه‌های زندگی، از جمله عرصه پزشکی است. از دیدگاه اسلام، طبیب واقعی، خداوند است: «وَاللَّهُ الطَّيِّبُ». خداوند با تدبیر شایسته‌ترین اخلاق و آداب، بشر بیمار را طبابت و درمان می‌کند.

قرآن کریم، از ابراهیم خلیل (ع) نقل می‌کند که فرمود:

وَ إِذَا مَرَضْتُ فَبِهِوَ يَشْفِينِ (شعرا: ۸۰)

چون بیمار شوم، او (خداوند) شفایم می‌دهد.

رسول خدا (ص) فرمود:

يَا عِبَادَ اللَّهِ! أَنْتُمْ كَالْمَرْضَى وَرَبُّ الْعَالَمِينَ كَالطَّيِّبِ فَصَلِّحِ الْمَرْضَى بِمَا يُعَلِّمُهُ الطَّيِّبُ وَيُدَبِّرُهُ لَا فِيمَا يَشْتَهِيهِ الْمَرِيضُ وَيَقْتَرِحُهُ، إِلَّا فَسَلِّمُوا اللَّهَ أَمْرَهُ تَكُونُوا مِنَ الْفَائِزِينَ

ای بندگان خدا، شما همانند بیماران هستید و پروردگار جهانیان همانند طبیب است. صلاح بیماران در آن چیزی است که طبیب آن را تدبیر و تجویز می‌کند، نه آن‌چه که بیمار می‌خواهد و آن را [برای درمان و ارائه راه حل] پیشنهاد می‌دهد. پس تسلیم فرمان خداوند باشید تا رستگار شوید.

خداوند خواص درمانی را در داروها قرار داد و در نظام آفرینش، برای هر دردی دارویی آفریده و استعداد شناخت دردها و داروها و چگونگی درمان آنها را به انسان داده است. و از این رو، پزشک مظهر «طیب» و «شافی» دو نام خداوند است. پزشک باید اخلاق و آداب پسندیده و الهی را مبنای طبابت خویش قرار دهد؛ چون اخلاق در حوزه پزشکی، آراسته شدن به آداب الهی است. رستگاری نیز در پرتو عمل کردن به این آداب است. امام علی (ع) می‌فرماید:

مَنْ تَادَبَ بِأَدَبِ اللَّهِ آدَاهُ ذَلِكَ إِلَى الْفَلَاحِ الدَّائِمِ

هر کس به ادب الهی آراسته شود، این ادب او را به رستگاری همیشگی خواهد کشاند.

پیامبران الهی - که طبیبان جان و روح بشر شمرده می‌شوند و مظهر نامهای مقدس طبیب و شافی خداوند متعال برای درمان بیماریهای روحی و روانی هستند - نمونه‌ای کامل از اخلاق پزشکی را در برخورد با انسانها به تصویر کشیده‌اند. امیرمؤمنان (ع) در توصیف پیغمبر اکرم (ص) می‌فرماید:

طَبِيبٌ دَوَّارٌ بِطَبِيبِهِ، قَدْ أَحْكَمَ مَرَاهِمَهُ، وَأَحْمَى مَوَاسِمَهُ، يَضَعُ ذَلِكَ حَيْثُ الْحَاجَّةُ إِلَيْهِ، مِنْ قُلُوبٍ عُمَى، وَأَذَانٍ صُمٌّ، وَالسِّنَّةُ بِكُمْ. مُتَّبِعٌ بِدَوَائِهِ مَوَاضِعَ الْعَفْلَةِ، وَمَوَاطِنَ الْحَيْرَةِ

طیبی بود که طبابت را بر بالین بیماران می‌برد، مرهم را درست بر جایی که باید، می‌نهاد و آن جا که بایسته بود، داغ می‌نشاند. او این همه را بدان جا می‌رساند که نیازمندش بود: دل‌های بی‌فروغ، گوش‌های ناشنوا و زبان‌های ناگویا. با درمان خویش، منزلگاه‌های بی‌خبری و جایگاه‌های سرگستگی انسان را می‌جست.

اخلاق پزشکی از منظر اسلام، افزون بر ایمان به خدا و پیامبران، بر معاد و نظام پاداش و مبتنی است؛ چون تقوا، تلاش و خلوص در کار، اخلاق و رفتار عالی همچون گشاده‌رویی و نرم‌خویی، تواضع، بزرگواری، گذشت و فداکاری، صداقت، نظم و انضباط و وجدان کاری از آثار و

برکات ایمان به نظام قانونمند و عادلانه پاداش و کیفر است. پزشکان مؤمن و متعهد بر مبنای چنین ایمانی، در برخورد با بیماران و همراهان آنان، همکاران و دیگر افراد، اخلاق اسلامی را رعایت می‌کنند. هر چه این اعتقاد، عمیق‌تر باشد میوه‌هایش شیرین‌تر خواهد شد. رسول خدا (ص) درباره نشانه‌های اهل یقین فرمود:

از نشانه‌های آنان این است: به بهشت ایمان دارند؛ از این رو، مشتاق‌اند [و برای رسیدن به آن تلاش می‌کنند] و به آتش دوزخ یقین دارند؛ از این رو، برای رهایی از آن سعی می‌کنند و یقین دارند که حساب روز قیامت، حق است. به همین جهت [پیش از آن که به حساب آنان برسند] به حساب خویش رسیدگی می‌کنند.

## ۲. فطرت الهی

فطرت، نوع خاصی از آفرینش است که از یک طرف انسان را با انگیزه ذاتی به سمت خداپرستی، نیکی و ارزشهای انسانی و اخلاقی سوق می‌دهد و از طرف دیگر، زمینه گرایشهای ایمانی و اخلاقی است. این ویژگی را خداوند با الطاف خاص خود در سرشت بشر به ودیعت نهاده تا زمینه رشد کمالات و فضایل انسانی باشد.

قرآن کریم می‌فرماید:

فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا (روم: ۳۰)

روی خود را متوجه آیین خالص پروردگار کن. این فطرتی است که خداوند انسانها را بر آن آفریده است.

آن چه در این آیه، فطری شمرده شده، تنها مسئله توحید و یکتاپرستی نیست، بلکه دین با تمام ریشه‌ها و شاخ و برگش فطری به شمار رفته است. پس اخلاق و رفتار انسان در تمامی عرصه‌های زندگی مانند حوزه پزشکی بر فطرت الهی مبتنی است.

پزشک برخوردار از وجدان و فطرت سلیم، بهترین اخلاق و رفتار را در طبابت، پیشه خود می‌سازد و بر ارزش و اهمیت کارش در پیشگاه الهی می‌افزاید. هر چه فطرت سالم‌تر باشد و در اثر غفلت و غبار معصیت رو به خمول نرفته باشد، در نحوه عملکرد اخلاقی جامعه پزشکی و تعامل شایسته آنان با بیماران و همراهان آنان با یکدیگر تأثیرگذارتر خواهد بود.

## ۳. کرامت انسان

مبنای دیگر اخلاق پزشکی، اصل کرامت انسان است. از دیدگاه اسلام، انسان از کرامت و شرافت ذاتی برخوردار است. قرآن کریم می‌فرماید:

وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ ... (اسراء: ۷۰)

ما فرزندان آدم را کرامت بخشیدیم.

مرحوم علامه طباطبایی می‌فرماید:

مراد آیه، بیان حال جنس بشر است و مقصود از تکریم، اختصاص دادن به عنایت و شرافت دادن به خصوصیتی است که در دیگران نباشد.

پزشکان مؤمن و متعهد از کرامت برخوردارند و خویشتن را گرمی و عزیز می‌دارند، چنان که امیرمؤمنان (ع) فرمود:

الْكَرِيمُ مَنْ تَجَنَّبَ الْمَحَارِمَ وَتَنَزَّهَ عَنِ الْعُيُوبِ

انسان کریم کسی است که از حرامها دوری گزیند و از عیبها [ردایل و اخلاق نکوهیده] پاک باشد.

پزشکان در معاشرت و تعامل با مردم، اخلاق و رفتاری کریمانه در پیش می‌گیرند. آنان با توجه به ارزش و شایستگی انسان، اخلاق و رفتار کریمانه را دینی بر عهده خویشتن می‌شمارند که به طور حتم باید ادایش کنند، چنان که حضرت علی (ع) فرمود:

شخص کریم، کارهای نیکوی خود را بدهی‌ای بر خویش می‌بیند که باید قضایش کند.

## ۴. پیمان الهی

از دیگر مبانی اخلاق پزشکی، تعهد پزشکان به پیمانی است که با خداوند متعال می‌بندند. این پیمان، به طور معمول، در قالب سوگندنامه‌های پزشکی تنظیم شده است. دانشجویان رشته‌های علوم پزشکی پس از گذراندن دوره خویش، به وسیله آن با خداوند پیمان می‌بندند که در طبابت خویش، اصول اخلاقی و انسانی را مراعات کنند.

قرآن کریم، پای‌بندی به عهد و پیمان را از ویژگی‌های مؤمنان شمرده است:

وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ (مؤمنون: ۸)

مؤمنان کسانی‌اند که امانتها و عهد خود را مراعات می‌کنند.

قرآن، وفای به عهد را نشانه افراد نیکوکار دانسته است:

... وَالْمُؤْمِنُونَ بَعْدَهُمْ إِذَا عَاهَدُوا ... (بقره: ۱۷۷)

نیکوکاران کسانی هستند که به عهد خود [هنگامی که عهد بستند] وفا می‌کنند.

امیر مؤمنان (ع) می‌فرماید:

إِنَّ الْوَفَاءَ بِالْعَهْدِ مِنْ عِلَامَاتِ أَهْلِ الدِّينِ

وفای به عهد و پیمان از نشانه‌های مردم متدین است.

افزون بر موارد یاد شده، می‌توان از نوع دوستی و عواطف انسانی، شکرگزاری و احساس مسئولیت در برابر نعمتهای الهی و دانش و آگاهی به عنوان دیگر مبانی اخلاق پزشکی یاد کرد.

## درس سوم: بایسته‌های اخلاق پزشکی (۱)

بایسته‌های اخلاقی حرفه پزشکی در محورهای «ارتباط پزشک با خداوند»، «ارتباط پزشک با مردم»، «ارتباط پزشک با بیمار» و «ارتباط پزشک با همکاران» بررسی می‌شود.

### الف. ارتباط با خداوند

برخی از مهم‌ترین بایسته‌های اخلاقی در ارتباط پزشک با خداوند عبارت است از:

#### ۱. ایمان

رابطه انسان با پروردگار، الزامات ویژه‌ای دارد که ایمان از مهم‌ترین آنهاست. ایمان - که تسلیم قلبی آدمی به خداوند است - گوهر فضیلتها و ارزشهای اسلامی به شمار می‌رود و بدون آن، کارهای نیک فایده‌ای محدود دارد و راه به رستگاری ابدی نخواهند برد. در بسیاری از آیات، عمل صالح در کنار ایمان ذکر شده است تا نشان دهد سعادت ابدی بدون ایمان به دست نمی‌آید.

پزشک، وسیله درمان است و درمان کننده واقعی، خداوند است. از این رو، حضرت ابراهیم (ع) فرمود:

وَإِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِ. (شعراء: ۸۰)

هنگامی که بیمار شوم، خداوند مرا شفا می‌دهد.

رسول خدا (ص) به یکی از پزشکان فرمود:

انَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ الطَّبِيبُ، وَلَكِنَّكَ رَجُلٌ رَفِيقٌ

طیب و واقعی، خداست و تو رفیقی دلسوز (برای بیمار) هستی.

رهاوی در «ادب الطیب»<sup>۱</sup> - که کهن‌ترین اثر در زمینه اخلاق پزشکی در اسلام است - ایمان را نخستین بایسته در اخلاق پزشکی شمرده است:

نخست، پزشک باید باور کند و به خدا ایمان داشته باشد. او باید خود را با تمام خرد، جان و اراده آزاد، وقف پروردگار کند.

## ۲. توکل

پس از ایمان به خداوند، توکل - که نشان از اعتماد فوق‌العاده به مشیت الهی دارد - از دیگر فضیلت‌هایی است که در رابطه پزشک با خدا ظهور و بروز دارد و در تشخیص و درمان بیماری بسیار تأثیر می‌گذارد.

پزشک مؤمن حتی اگر تمام امکانات لازم برای تشخیص و درمان بیماری را در اختیار داشته باشد، اعتمادش را از خدا قطع نمی‌کند؛ بلکه اعتمادش به خداوند از تکیه به ابزار و امکانات بیشتر است. امام علی (ع) می‌فرماید:

لَا يَصْدُقُ اِيْمَانُ عَبْدٍ حَتَّى يَكُوْنَ بِمَا فِى يَدِ اللّٰهِ سُبْحٰنَهُ اَوْثَقَ مِنْهُ بِمَا فِى يَدِهِ

ایمان بنده راست نمی‌شود، مگر این که اطمینان او به آن چه در دست خداوند سبحان است از اعتمادش به آن چه نزد خود اوست بیشتر باشد. همچنین می‌فرماید:

مَنْ تَوَكَّلَ عَلَى اللّٰهِ ذَلَّتْ لَهُ الصُّعَابُ وَتَسَهَّلَتْ عَلَيْهِ الْاَسْبَابُ وَتَبَوَّءَ الْخَفْضَ وَالْكَرَامَةَ

هر کس بر خدا توکل کند سختیها برای او آسان و اسباب (رسیدن به اهداف) برای او فراهم می‌شود و در راحتی و وسعت و کرامت جای می‌گیرد.

علامه طباطبایی در توضیح توکل می‌فرماید:

حقیقت مطلب این است که نفوذ اراده و رسیدن به مقصود در عالم ماده، به یک سلسله اسباب و عوامل طبیعی و یک سلسله عوامل روحی و نفسانی نیازمند است. هنگامی که انسان وارد میدان عمل می‌شود و کلیه عوامل طبیعی مورد نیاز را آماده می‌کند، تنها چیزی که میان او و هدفش فاصله می‌اندازد همانا تعدادی از عوامل روحی است؛ از قبیل سستی اراده و تصمیم، ترس، غم و اندوه، شتابزدگی و عدم تعادل، سفاهت و کم‌تجربگی و بدگمانی نسبت به تأثیر علل و اسباب و امثال آن.

در چنین وضعی، اگر انسان بر خداوند سبحان توکل داشته باشد اراده‌اش قوی و عزمش راسخ می‌گردد و موانع و مزاحمت روحی در برابر آن خنثی و بی‌اثر خواهند شد؛ زیرا انسان در مقام توکل، با مسبب‌الاسباب که بر همه اسباب غالب است، پیوند می‌خورد و با چنین پیوندی دیگر جایی برای نگرانی و تشویش خاطر باقی نمی‌ماند و با قاطعیت با موانع دست و پنجه نرم می‌کند تا به مقصود برسد.

علاوه بر این، نکته دیگری که در مورد توکل وجود دارد بعد غیبی و ماورایی آن است؛ یعنی خداوند متعال، شخص متوکل را با امدادهای غیبی مدد می‌رساند که این امدادها از حوصله اسباب عادی و طبیعی فراتر و در ردیف مافوق علل مادی قرار دارد و ظاهر آیه شریفه «وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللّٰهِ فَهُوَ حَسْبُهُ...»<sup>۱</sup> چنین امدادی را نوید می‌دهد.

پزشک مؤمن با اعتقاد به این که خداوند می‌تواند او را در تشخیص و درمان بیماری کمک کند، خود را به طیب واقعی سپرده، در جمیع مراحل درمان از او مدد می‌گیرد و همچون امام زین‌العابدین (ع) به درگاه خداوند سبحان عرض می‌کند:



... وَبِكَ اسْتَعِثُّ، وَآيَاكَ ارْجُو، وَلَكَ ادْعُو، وَالْيَاكَ الْجَا، وَبِكَ اِثِقْ، وَآيَاكَ اسْتَعِينُ، وَبِكَ اُؤْمِنُ، وَعَلَيْكَ اَتَوَكَّلُ، وَعَلَى جُودِكَ وَكَرَمِكَ اَتَكِلُ  
تنها به درگاه تو استغاثه می‌کنم و تو را مایه امید می‌شمارم. تو را می‌خوانم و به تو پناه می‌برم، به تو اطمینان دارم و تو را پشتیبان خود می‌دانم  
و به تو ایمان دارم و به جود و کرم تو توکل می‌کنم.

### ۳. عبادت شمردن پزشکی

پزشک باید به شغل خویش رنگ الهی بدهد.

رسول خدا (ص) به ابوذر فرمود:

يَا اَبَاذَرُّ! لِيَكُنْ لَكَ فِي كُلِّ شَيْءٍ نِيَّةٌ حَتَّى فِي النَّوْمِ وَالْاَكْلِ

ابوذر، در هر کاری حتی در خوردن و خوابیدن، آهنگ خدا کن.

امام خمینی - قدس سره - به پزشکان می‌فرماید:

از جمله شغل‌های بسیار مقدس پزشکی است؛ شغلی است که اگر پزشکها به تکالیف خودشان، تکالیف انسانی خودشان عمل بکنند. این شغل  
بسیار شریف و یک عبادتی است ... در تراز عبادت‌های درجه اول.

همچنین می‌فرماید:

پزشکها همچو نباشد که برای جمع‌آوری مال و منال این خدمت را انجام بدهند. خدمت بکنند، خدمت بکنند و نظرشان خدمت به انسانها که  
بندگان خداست باشد تا این شغل، عبادت بشود. آن منافی هم که پیدا می‌شود، منافی است که از این عبادت برایشان پیدا شده است.

نیز می‌فرماید:

شما متوجه باشید که این شغل را خدای نخواستہ آلوده نکنید به جهات مادی، به جهات دنیایی که هم کار کرده باشید و هم اجر الهی نبرده  
باشید. شما کاری بکنید که این شغل شما الهی باشد، برای خدا باشد. منافات ندارد این که برای خدا باشد لکن به شما هم مثلاً اجری بدهند.  
اینها منافات با هم ندارند.

### ۴. تقوا

امام علی (ع) می‌فرماید:

مَنْ تَطَبَّبَ فَلْيَتَّقِ اللَّهَ، وَلْيَنْصَحْ، وَلْيَجْتَهِدْ

هر کس طبابت را پیشه خود ساخت، باید با تقوا باشد، برای مردم خیرخواهی کند و [در تحصیل، تشخیص و درمان بیماری] کوشش کند.  
بنابراین روایت، تقوای الهی از بایسته‌های اخلاقی پزشک در ارتباط با خداوند است. تقوا یعنی حفاظت و نگه‌داری نفس از آن‌چه به آن ضرر  
می‌رساند.

معنای «فَلْيَتَّقِ اللَّهَ» این نیست که از خدا بترسید، بلکه به این معناست که از خشم و عذاب خداوند خود را حفظ کنید و متقی به معنای شخص  
پارسا و خودنگه‌دار است.

تقوا در هر حرفه‌ای به معنای رعایت قوانین الهی در انجام دادن آن است. بنابراین، تقوای پزشکی، شامل همه آداب و احکام اسلامی در مورد  
این حرفه است. پزشکی که نفس خود را با تقوای الهی حفظ نکند حرفه‌اش برای او آفت به حساب می‌آید؛ چون نفس آن‌گاه که به وسیله تقوا  
مهار نگردد، در خدمت هوا و هوس قرار می‌گیرد و موجبات بدبختی انسان را فراهم می‌سازد. امام علی (ع) در این باره می‌فرماید:

الَا وَأَنَّ الْخَطَايَا خَيْلٌ شُمْسٌ حُمِلَ عَلَيْهَا أَهْلُهَا، وَخَلَعَتْ لُجْمُهَا، فَتَفَحَّمَتْ بِهِمْ فِي النَّارِ. الْا وَأَنَّ التَّقْوَى مَطَايَا دُلُّلٌ، حُمِلَ عَلَيْهَا أَهْلُهَا وَأَعْطُوا  
ازِمَّتْهَا، فَأَوْرَدَتْهُمْ الْجَنَّةَ

آگاه باشید! گناهان و خطاها همچون مرکبهای سرکش و لجام گسیخته‌ای هستند که گناهکاران بر آنها سوارند و آنان را در قعر دوزخ سرنگون خواهند ساخت؛ اما تقوا همانند مرکبهای راهوار و آرامی است که صاحبانش بر آنها سوارند و زمامشان را به دست دارند و تا دل بهشت، آنان را پیش می‌برند!

نیز می‌فرماید:

... فَإِنَّ التَّقْوَى فِي الْيَوْمِ الْحِرْزُ وَالْجَنَّةُ، وَفِي غَدِّ الطَّرِيقِ إِلَى الْجَنَّةِ

[از تقوا کمک بگیرید؛] زیرا تقوا، امروز سپر بلاست و فردا راه رسیدن به بهشت.

پزشک با تقوا می‌تواند خود را از هجوم عوامل گناه حفظ کرده، با صداقت و پاکی به خدمت و درمان بیماران بپردازد و خود را از لغزش و گناه مصون دارد. پزشک، امین و مورد اعتماد بیمار و بستگان اوست. اگر او تقوا نداشته باشد و در حرفه خود عنان نفس را رها ساخته، عفت و آبروی خود را از دست بدهد و خیانت کند، بزرگ‌ترین گناه را مرتکب شده و اعتماد عمومی را که برای حرفه‌اش ضرورت دارد از دست خواهد داد.

پزشکان محترم باید در همه مراحل تشخیص و درمان بیماری، آداب و احکام اسلامی را مراعات کنند و خدا را حاضر و ناظر بر اعمال خود ببینند.

## درس چهارم: بایسته‌های اخلاق پزشکی (۲)

### ب. ارتباط پزشک با مردم

امام صادق (ع) می‌فرماید:

لَا يَسْتَعْنِي أَهْلُ كُلِّ بَلَدٍ عَنِ ثَلَاثَةٍ - يَفْزَعُ إِلَيْهِمْ فِي أَمْرِ دُنْيَاهُمْ وَأَخْرَجَتْهُمْ، فَإِنْ عَدِمُوا ذَلِكَ كَانُوا هَمَجًا - فَقِيهِ عَالِمٍ وَرِعٍ، وَآمِيرٍ خَيْرٍ مُطَاعٍ، وَطَبِيبٍ  
بَصِيرٍ تَقِيٍّ

مردم هیچ آبادی‌ای از سه گروه بی‌نیاز نیستند، تا در کار دنیا و آخرت خویش به آنها پناه برند، به گونه‌ای که اگر آنان را نداشته باشند امورشان مختل خواهد شد: ۱. فقیه دانشمند و پرهیزکار؛ ۲. حاکم مقتدر و نیکوکار؛ ۳. طبیب آگاه و مورد اعتماد.

از این روایت، افزون بر ضرورت و ارزش وجودی این سه دسته برای جامعه، بایسته‌های اخلاقی آنان در ارتباط با مردم فهمیده می‌شود. فقیه مسئولیت ارشاد و هدایت دینی، معنوی و اخلاقی مردم را بر عهده دارد، حاکم موظف به تأمین امنیت در اجتماع است، طبیب مسئول بهداشت و سلامت جامعه است.

فقیه باید دانا و پارسا باشد تا بتواند مسئولیتش را در ارتباط با هدایت مردم به شایستگی انجام دهد. حاکم باید مقتدر و نیکوکار باشد تا بتواند امنیت را برای مردم به ارمغان آورد و به مردم ستم نرزد، طبیب نیز باید متخصص و مورد اعتماد باشد تا سلامت جسم و روح مردم را فراهم سازد. اینک دو ویژگی یاد شده از احادیث را توضیح می‌دهیم:

### ۱. بصیرت

پزشک باید بصیر باشد. بصیرت در پزشکی یعنی آگاهی و تخصص، قوه ادراک و فهم، توان تمییز و تشخیص. همان گونه که هر فقیه‌ی قادر نیست سعادت اخروی مردم را تأمین کند و هر حاکمی نمی‌تواند امنیت و سعادت دنیوی مردم را تأمین کند، هر طبیبی نیز نمی‌تواند بهداشت و سلامت جسمی جامعه را تأمین کند، مگر این که آگاه، کارشناس و متخصص در پزشکی باشد و راه درمان را بشناسد. پزشکانی که در آراستگی خود به این ویژگی برجسته نمی‌کوشند، توفیق چندانی در درمان بیماران نخواهند داشت و اگر در اثر ناآگاهی و عدم تخصص صدمه به بیمار بزنند یا سبب مرگ او شوند، ضامن خواهند بود. رسول خدا (ص) می‌فرماید:

مَنْ تَطَبَّبَ وَلَمْ يَعْلَمْ مِنْهُ طِبُّ قَبْلَ ذَلِكَ، فَهُوَ ضَامِنٌ

کسی که بدون [تخصص و] سابقه‌ای در درمان، به طبابت بپردازد، [شرعاً] ضامن است.

نیز می‌فرماید:

مَنْ تَطَبَّبَ وَلَمْ يَكُنْ بِالطَّبِّ مَعْرُوفًا، فَاصَابَ نَفْسًا فَمَادُونَهَا، فَهُوَ ضَامِنٌ

هر کس در حالی که به طبابت شناخته شده نیست، عهده‌دار آن گردد و موجب فوت کسی یا صدمه‌ای کمتر از آن شود، ضامن است.

امام علی (ع) می‌فرماید:

يَجِبُ عَلَى الْأَمَامِ أَنْ يَحْبِسَ الْفُسَّاقَ مِنَ الْعُلَمَاءِ، وَالْجُهَّالَ مِنَ الْأَطِبَّاءِ

بر امام لازم است عالمان تبهکار و پزشکان ناآگاه را به زندان افکند.

## ۲. مورد اعتماد بودن

پزشک باید مورد اعتماد و به تعبیر امام صادق (ع)، «ثقه» باشد و بتواند با دانش و مهارت، ایمان و صداقت، دلسوزی و خیرخواهی، امانت و رازداری، تقوا و خودنگهداری و اخلاق و رفتار خود، اعتماد همه را به سوی خود و همکاری‌اش جلب کند و مایه افتخار و سربلندی جامعه پزشکی باشد.

امام علی (ع) می‌فرماید:

الْمُؤْمِنُ هَيِّنٌ لِّئِنْ سَهْلٌ مُؤْتَمِنٌ

مؤمن ساده، لطیف و مهربان، رام و مورد اعتماد [مردم] است.

پزشک مؤمن، امین مردم است و هرگز در جان، مال، ناموس و اسرار مردم به آنان خیانت نمی‌ورزد و گرنه امین آنها نخواهد بود. حضرت علی

(ع) می‌فرماید:

إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يُحِبُّ الْمُحْتَرِفَ الْأَمِينَ

همانا خداوند متعال، پیشه‌ور امین را دوست می‌دارد.

از این روایت می‌توان استفاده کرد که در اسلام تنها امانت در مال مطرح نیست، بلکه رعایت امانت در همه شئون - اعم از جان، مال، آبرو، ناموس، وقت و عمر - مطرح است. بنابراین، پزشک مؤمن و متعهد همان گونه که امین جان و مال و ناموس مردم است نسبت به وقت و عمر آنان نیز امین شمرده می‌شود. پزشک باید به گونه‌ای رفتار کند که مردم هنگام بروز بیماری، با اطمینان خاطر به او مراجعه کنند.

امام صادق (ع) می‌فرماید:

انسان، امین شمرده نمی‌شود، مگر این که در مورد سه امانت (اموال، اسرار و ناموس مردم) مورد اعتماد قرار گیرد و [حق] آنها را ادا کند؛ به

گونه‌ای که اگر از دو امانت محافظت کند و دیگری را تباه سازد امین نخواهد بود.

پزشکان علاوه بر بصیرت و مورد اعتماد بودن، باید دارای ویژگیهای زیر باشند:

### ۳. سودمندی

حضرت عیسی بن مریم (ع) می فرماید:

وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ ... (مریم: ۳۱)

و مرا هر جا که باشم مبارک گردانیده است.

امام صادق (ع) در تفسیر این آیه می فرماید:

مقصود از «جَعَلَنِي مُبَارَكًا»، «جَعَلَنِي نَفَاعًا» است؛ یعنی [حضرت عیسی می فرماید]: خداوند مرا برای مردم بسیار سودمند قرار داد.

رسول خدا (ص) می فرماید:

الْخَلْقُ عِيَالُ اللَّهِ فَاحْبَبُ الْخَلْقِ إِلَى اللَّهِ مَنْ نَفَعَ عِيَالَ اللَّهِ وَأَدْخَلَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِ سُرُورًا

مردم عائله خدايند. محبوب‌ترين آنان نزد خدا کسی است که سودش به عائله خدا برسد و خانواده‌ای را خوشحال کند.

از رسول خدا (ص) پرسیدند: محبوب‌ترین مردم کیست؟ فرمود: کسی که وجودش برای مردم سودمندتر باشد.

پزشک در نگاه مردم، وجودی با برکت دارد که سلامتی و حیات را برای آنان به ارمغان می آورد و سرور و شادمانی را به خانه‌هایشان هدیه می کند.

### ۴. جوانمردی

جوانمردی، صفتی است که همه فضایل و خوبیها را در بر می گیرد و جوانمرد کسی است که دارای خصلتهای نیک و پسندیده مانند بخشندگی، گذشت، دلیری و کمک به دیگران باشد.

امام علی (ع) می فرماید:

الْمَرْوَةُ اسْمٌ جَامِعٌ لِسَائِرِ الْفَضَائِلِ وَالْمَحَاسِنِ

مروّت اسمی است که همه فضیلتها و خوبیها را در بر دارد.

جوانمردی پزشک مؤمن از اولین برخورد بیماران با او بروز می کند. او بیماران را با خوشرویی ملاقات می کند، سخنانشان را با صبر و حوصله می شنود او تنها به فکر درمان آنان است. حضرت علی (ع) می فرماید:

أَوَّلُ الْمَرْوَةِ طَلَاقَةُ الْوَجْهِ وَآخِرُهَا التَّوَدُّدُ إِلَى النَّاسِ

سرآغاز جوانمردی، گشاده‌رویی و سرانجام آن دوستی با مردم است.

### ۵. انصاف

واژه «انصاف» از «نصف» (به ضمّه و فتح نون) یعنی چیزی را نصف کردن یا به نصف رساندن.

انصاف در روابط اجتماعی یعنی سود و زیان را میان خود و دیگران نصف کردن و در مقام داوری، حقوق طرفین دعوا را به طور برابر رعایت کردن.

انصاف از روح گذشت و احترام به حقوق دیگران ناشی می‌شود. پزشک منصف کسی است که برای مردم حقوق برابر قائل باشد. توجه و مهرورزی پزشک به ثروتمندان و کم‌توجهی و بی‌تفاوتی به فقیران، از انصاف دور است.

رسول خدا (ص) انصاف را از نشانه‌های مؤمن واقعی شمرده است:

مَنْ وَاسَى الْفَقِيرَ وَأَنْصَفَ النَّاسَ مِنْ نَفْسِهِ فَذَلِكَ الْمُؤْمِنُ حَقًّا

کسی که با فقیر همدردی [یا از او دستگیری] کند و درباره مردم با انصاف باشد، مؤمن واقعی است.

### درس پنجم: بایسته‌های اخلاق پزشکی (۳)

#### ج. ارتباط پزشک با بیمار

مسئولیت‌پذیری در برابر بیماران، خوش‌رفتاری، خیرخواهی، رحم و مهربانی به بیماران فقیر، حفظ اسرار بیماران و اجتناب از حرص‌ورزی در کسب ثروت، از بایسته‌های اخلاقی روابط پزشک و بیمار شمرده می‌شوند که بسیاری از این‌گونه امور در سوگندنامه‌های پزشکی به بهترین وجه بیان شده است.

این بایسته‌ها از اصول روابط پزشک و بیمار است و تابع زمان و مکانی خاص نیست، بلکه روابط پزشک و بیمار در هر عصر و زمانی باید بر این اصول استوار باشد.

با توجه به اینکه موارد بسیاری از اصول اخلاقی در فصل مربوط به «اخلاق در درمان» مورد بحث قرار خواهد گرفت، در این‌جا به ذکر چند مورد از آنها بسنده می‌کنیم:

#### ۱. مسئولیت‌پذیری

از مهم‌ترین و اصلی‌ترین بایسته‌های اخلاقی در روابط پزشک و بیمار، حس مسئولیت‌پذیری است؛ زیرا همین احساس است که پزشک را به رعایت وظایف اخلاقی، قانونی و شرعی خود در مورد درمان بیمار وا می‌دارد.

منظور از مسئولیت‌پذیری، موظف بودن به انجام کاری و مؤاخذة و بازخواست از آن است؛ پزشک باید خود را در پیشگاه خدا و در برابر وجدان خود مسئول بداند و در رسیدگی و درمان بیماران چیزی را فرو نگذارد. این حس مسئولیت‌پذیری نسبت به بیماران، نمودی از تقوای پزشکی است. امام علی (ع) می‌فرماید:

هر کس طبابت می‌کند باید تقوای الهی را پیشه خود سازد ... و [در تشخیص و درمان بیماران] کوشش کند.

امام صادق (ع) از قول حضرت مسیح (ع) درباره مسئولیت پزشک می‌فرماید:

هر کس به درمان مجروحی اقدام نکند در واقع شریک جرم کسی است که او را مجروح کرده است؛ چون ضربه زنده، تباهی مجروح را خواسته و نفر دوم با رها کردن درمان و بهبودی مجروح، در واقع به تباهی او کمک کرده است.

این سخن، متکی بر منطق روشنی است که نه تنها پیروان اسلام و مسیحیت، بلکه هیچ پزشک با وجدانی نمی‌تواند آن را انکار کند.

بر پایه این منطق، پزشک مسئولیت اخلاقی دارد و نمی‌تواند نسبت به بیمارانی که به او مراجعه می‌کنند، بی‌توجه باشد یا از پذیرش و درمان آنان خودداری ورزد؛ چون این بی‌توجهی و کوتاهی پزشک، به معنای سهمیم بودن او در بیماری یا هلاکت بیمار است. پزشک حق ندارد به هیچ بهانه‌ای از مسئولیت پذیرش و درمان بیمار شانه خالی کند.

پزشک، افزون بر مسئولیت اخلاقی که جنبه درونی و شخصی دارد و به واسطه آن، خود را در پیشگاه خداوند و وجدان خویش پاسخ‌گو می‌شمارد، نسبت به خطاهایی که از روی عمد یا کوتاهی و سهل‌انگاری از او سر می‌زند، مسئولیت دارد و در پاره‌ای موارد ضامن شمرده

می شود و موظف است خسارتهای وارده بر بیمار را جبران کند. این نوع از مسئولیت که از آن به مسئولیت حقوقی و قانونی یاد می شود در مباحث فقهی و حقوقی قابل طرح و بررسی است.

## ۲. مهربانی

پزشک باید به بیماران محبت کند؛ چون باعث امید بخشیدن به زندگی بیماران می گردد. بهترین پزشکان مهربان ترین آنان نسبت به بیماران هستند. خداوند متعال در حدیثی قدسی می فرماید:

الْخَلْقُ عِبَالِي فَأَحْبِبَّهُمْ إِلَى الطَّفْهِمْ بِهِمْ وَأَسْأَهُمْ فِي حَوَائِجِهِمْ

مردم، خانواده من هستند. پس محبوب ترین آنان نزد من کسی است که نسبت به آنان مهربان تر و در [برآوردن] نیازمندیهایشان کوشا تر باشد.

امام علی (ع) با تبیین رابطه مشفقانه پزشک با بیمار، دیگران را به چنین رابطه ای در میان خودشان سفارش می کند:

كُنْ كَالطَّيِّبِ الرَّفِيقِ [الشَّفِيقِ] الَّذِي يَدْعُ الدَّوَاءَ بِحَيْثُ يَنْفَعُ

همچون طیبی رفیق [مهربان] باش؛ همان طیبی که بیمارش را با دوايي سودمند معالجه می کند.

رابطه محبت آمیز پزشک با بیمار در امیدبخشی و بهبودی بیمار تأثیری نیکو دارد. امام خمینی قدس سره می فرماید:

چیزی که بسیار اهمیت دارد و برای پزشکان و پرستار و آنهایی که تماس با مریضها و بیمارها و مجروحها دارند، این است که روح عطوفت در آنها باشد ... این نکته را باید در نظر داشته باشند که عطوفت به آنها و امید دادن به آنها و وعده سلامت به اذن الله برای آنها، کمک می کند به صحت آنها.

نیز به پزشکان و پرستاران می فرماید:

باید مثل پدری که فرزندش را معالجه می کند و مادری که اولادش را پرستاری می کند، شما مریضها را مثل اولاد خودتان، مثل فرزندان خودتان بدانید و آنها را با مهر و محبت پذیرایی کنید و آنها را پرستاری کنید.

## ۳. خیرخواهی

از دیگر بایسته های اخلاق پزشکی در ارتباط با بیماران، «نصح» است. نصح یعنی خیرخواهی و مصلحت اندیشی صادقانه و واقع بینانه نسبت به دیگران؛ در برابر غش و خدعه که به معنای بدخواهی، فریب و خیانت است. راغب اصفهانی می گوید:

نصيحت، انتخاب کردار یا گفتاری است که به صلاح رفیق و دوست انسان باشد.

رسول خدا (ص) می فرماید:

يَجِبُ لِلْمُؤْمِنِ عَلَى الْمُؤْمِنِ النَّصِيحَةُ لَهُ فِي الْمَشْهَدِ وَالْمَغِيبِ

بر مؤمن واجب است که در حضور و غیاب، خیرخواه مؤمن دیگر باشد.

تقوای پزشکی ایجاب می کند که پزشک در صرف وقت برای تشخیص بیماری، تجویز دارو و چگونگی درمان و طول آن، به چیزی جز سود بیمار نیندیشد. امام علی (ع) می فرماید:

هر کس طبابت را پیشه خود سازد باید برای مردم خیرخواهی کند.

امام صادق (ع) می فرماید:

عَلَيْكُمْ بِالنُّصْحِ لِلَّهِ فِي خَلْقِهِ فَلَنْ تَلْقَاهُ بِعَمَلٍ أَفْضَلَ مِنْهُ

بر شما باد به خیرخواهی خلق خدا برای رضایت او؛ زیرا هرگز با عملی برتر از آن خدا را ملاقات نخواهید کرد. پزشک مؤمن و متعهد برای جلب منافع مادی، هرگز اقدامی به ضرر بیماران انجام نمی‌دهد. پزشکی که بیشتر به فکر مادیات است و هم خود را به آن معطوف می‌سازد، نمی‌تواند خیرخواه بیماران باشد و خوب انجام وظیفه نماید. چنین طبیبی به عالمی می‌ماند که برای دنیای خود تلاش می‌کند و از خیرخواهی برای مردم بهره‌ای ندارد.

حضرت عیسی (ع) فرمود:

الدُّنْيَا دَاءُ الدِّينِ وَالْعَالِمُ طَبِيبُ الدِّينِ، فَإِذَا رَأَيْتُمُ الطَّبِيبَ يَجْرُ الدَّاءَ إِلَى نَفْسِهِ فَاتَّبِعُوهُ وَعَلِّمُوا أَنَّهُ غَيْرُ نَاصِحٍ لَّغَيْرِهِ.

دینار [مادیات] درد دین است و عالم، طبیب دین. پس هرگاه دیدید طبیب درد را به سوی خویش می‌کشاند او را متهم سازید و بدانید که خیرخواه دیگران نیست.

**۴. عفت:** یکی از مصادیق مهم تقوای پزشکی، عفت جنسی است. عفت، حالتی نفسانی است که از غلبه شهوت جلوگیری می‌کند. در

روایات، از پاکدامنی به عنوان برترین عبادت یاد شده است. امام علی (ع) می‌فرماید:

مَا الْمَجَاهِدُ الشَّهِيدُ عِنْدَ اللَّهِ بِاعْظَمَ اجْرًا مِمَّنْ قَدَرَ فَعَفَّ لَكَادُ الْعَفِيفُ أَنْ يَكُونَ مَلَكًا مِنَ الْمَلَائِكَةِ

پاداش مجاهد شهید در راه خدا بیشتر از کسی نیست که می‌تواند گناه کند، ولی بر اثر پاکدامنی از آن پرهیز می‌کند. نزدیک است که انسان پاکدامن فرشته‌ای از فرشتگان خدا باشد.

پزشک با تقوا، نه تنها به خود اجازه سوء استفاده جنسی از بیمار را نمی‌دهد، بلکه حتی در نگاه کردن برای معاینه، حدود اسلامی را رعایت می‌کند و هنگام نیاز به نگاه کردن به بیمار برای تشخیص بیماری، به اندازه ضرورت اکتفا می‌کند.

امیرمؤمنان (ع) عفت را از ویژگیهای پسندیده در اخلاق حرفه‌ای بر شمرده است:

الْحِرْفَةُ مَعَ الْعِفَّةِ خَيْرٌ مِنَ الْغِنَى مَعَ الْفُجُورِ

حرفه‌ای که با پاکدامنی همراه باشد، بهتر است از توانگری با عصیان.

## درس ششم: بایسته‌های اخلاق پزشکی (۴)

### د. ارتباط پزشک و همکاران

پزشکان، پرستاران و دیگر کسانی که در درمان بیماران نقش ایفا می‌کنند، مسئولیتها و اهدافی مشترک و مقدس دارند. برخی از بایسته‌های اخلاقی روابط پزشکان با یکدیگر و دیگر همکارانشان که آنان را در رسیدن به این اهداف مقدس کمک می‌کند، عبارت است از:

#### ۱. صمیمیت

روابط اعضای جامعه پزشکی همچون خانواده‌ای اصیل و مذهبی باید بر صفا و صمیمیت استوار باشد. افراد این جامعه باید نسبت به یکدیگر علاقه‌مند و با محبت باشند؛ به گونه‌ای که مردم با مشاهده آن، اعتمادشان نسبت به جامعه پزشکی جلب شود.

محبت افراد به یکدیگر نشانگر میزان دیانت آنان در عرصه‌های اجتماعی است. هر که انس بیشتری نسبت به برادران دینی‌اش دارد پایبندی او به دینش بیشتر است. علی بن جعفر (ع) می‌گوید: به حضرت موسی بن جعفر (ع) عرض کردم: کدام یک از ما دینش را بیشتر دوست می‌دارد؟ آن حضرت پاسخ داد:

آن که رفیق [و همکار] خود را بیشتر دوست می‌دارد.

چگونه می‌توان فضایی صمیمی در محیط کار خود ایجاد کرد؟ پاسخ این پرسش را از روایات معصومین (ع) در می‌یابیم. رسول خدا (ص) خوش اخلاقی را باعث ایجاد جوّ دوستی دانسته است:

حُسْنُ الْخُلُقِ يُثْبِتُ الْمَوَدَّةَ.

خوش اخلاقی، دوستی را مستحکم می‌سازد.

امیرمؤمنان (ع) می‌فرماید:

طَلَاقَةُ الْوَجْهِ بِالْبَشْرِ وَالْعَطِيَّةُ، وَفِعْلُ الْبِرِّ وَبَذْلُ التَّحِيَّةِ دَاعٍ إِلَى مَحَبَّةِ الْبَرِيَّةِ

گشاده‌رویی با شادمانی و بخشش، نیکی و سلام کردن، موجب جلب محبت مردم می‌شود.

نیز می‌فرماید:

إِنَّ أَحْسَنَ مَا يَأْلَفُ بِهِ النَّاسُ قُلُوبَ إِيَادَتِهِمْ، وَنَفَاقًا بِهِ الضَّعْفُ عَن قُلُوبِ أَعْدَائِهِمْ، حُسْنُ الْبَشْرِ عِنْدَ لِقَائِهِمْ، وَالتَّفَقُّدُ فِي غَيْبَتِهِمْ، وَالْبَشَاشَةُ بِهِمْ عِنْدَ حُضُورِهِمْ

بهترین چیزی که مردم با آن دل‌دوستانشان را به دست می‌آورند و کینه را از دل‌دشمنانشان دور می‌کنند، خوشرویی هنگام دیدار آنان، سراغ گرفتن هنگام نبودنشان و خنده‌رویی در حضورشان است.

## ۲. احترام متقابل

رابطه پزشک با دیگر پزشکان و همکاران باید براساس احترام متقابل استوار باشد. رسول خدا (ص) در برشماری حقوق مؤمنان نسبت به یکدیگر می‌فرماید:

هر مؤمنی بر مؤمن دیگر هفت حق دارد که از جانب خداوند بزرگ بر او واجب شده است:

[یکی از آنها عبارت است از:] احترام کردن به او در پیش رویش.

از مسائل مهم در روابط پزشکان، احترام به پیشکسوتان و حفظ حرمت بزرگ‌ترهاست.

پزشکی که سالها خدمت کرده و دارای شأن و موقعیتی است نباید به وسیله همکاران جوان خود مورد بی‌اعتنایی و بی‌حرمتی قرار گیرد. حضرت محمد (ص) درباره احترام به شخصیت سالخورده‌گان می‌فرماید:

مِنْ أَجْلَالِ اللَّهِ أَجْلَالُ ذِي الشَّيْبَةِ الْمُسْلِمِ

از [جمله صورتهای] تعظیم خداوند، احترام به سالخورده‌گان است.

## ۳. وحدت

جامعه پزشکی برای ارائه خدمات بهتر به بیماران باید با یکدیگر وحدت داشته باشند و برای مسائل کم‌اهمیت و جزئی با یکدیگر درگیر نشوند. امیرمؤمنان (ع) می‌فرماید:

وَأَمَّا أَنْتُمْ أَخْوَانُ عَلَى دِينِ اللَّهِ، مَا فَرَّقَ بَيْنَكُمْ إِلَّا حُبُّ السَّرَائِرِ، وَسُوءُ الضَّمَائِرِ

شما برادران دینی یکدیگرید و چیزی جز زشتی درون و سوء نیت شما را از هم پراکنده نمی‌سازد.

## ۴. همکاری



درمان بیماران، همکاری پزشک و پرستار و دیگر دست‌اندرکاران مراکز درمانی را می‌طلبد. اگر در محیط درمانی فضایی دوستانه حاکم باشد، بدون تردید بر همکاری توأم با محبت آنان تأثیر خواهد گذاشت. امام علی (ع) می‌فرماید:

إِذَا نَبَتَ الْوُدُّ وَجَبَ التَّرَافُدُ وَالتَّعَاوُدُ

هرگاه [بذر] دوستی رویید، کمک به یکدیگر و پشتیبانی از یکدیگر واجب می‌شود.

## درس نهم: اخلاق در درمان پزشکی (۱)

بیمار برای درمان خود به پزشک مراجعه می‌کند. پزشک، بزرگ‌ترین و مهم‌ترین مسئولیت را در زمینه درمان بیماران بر عهده دارد؛ چه به لحاظ ارائه کمک‌های مادی از قبیل دارو و درمان مفید و چه به لحاظ کمک‌های روحی و روانی مانند دمیدن روح امید و سرور در روان بیمار و بازگرداندن اعتماد او به زندگی و آینده.

افزون بر تخصص و مهارت پزشک، آموزه‌های اخلاقی اسلام از مؤلفه‌هایی هستند که می‌توانند جامعه پزشکی را در ارائه هر چه بهتر خدمات به بیماران کمک کنند.

در اسلام، آموزه‌های اخلاقی فراوانی را می‌توان در زمینه درمان بیماران برشمرد. برخی از مهم‌ترین آنها به قرار زیر است.

### ۱. پالایش نیت

اهمیت و ارزش اعمال هرکس بر اهداف و نیت‌های او استوار است. هر چه نیت و اراده انسان والاتر و پاکیزه‌تر باشد پاداش او فزون‌تر خواهد بود. از این رو، شایسته است نیت پزشک در درمان بیماران و خدمت‌رسانی به بندگان خدا، جلب رضایت خداوند باشد. رسول اکرم (ص) علی (ع) را به جنگی فرستاد و به مسلمانان دستور داد که در این جنگ همراه آن حضرت شوند. مردی از انصار به برادرش گفت: همراه علی (ع) به این جنگ برویم، شاید به خدمتکار یا چهارپایی یا غنیمت دیگری برسیم، رسول خدا (ص) فرمود: همانا اعمال به نیتها وابسته است و برای هر کسی همان چیزی حاصل می‌گردد که نیت کرده است. بنابراین هرکس برای رضای خدای بزرگ به جنگ رفته پاداشش با خداست و کسی که به خواهش مال دنیا رفته یا به نیت دست‌یابی به زانو بند شتری خارج گردد چیزی جز آن چه نیت کرده به دست نخواهد آورد. امام صادق (ع) می‌فرماید:

... بنده ناگزیر از داشتن نیت خالص در هر حرکت و سکونی است؛ زیرا اگر این‌گونه نباشد غافل خواهد بود و خداوند متعال در وصف

غافلان فرموده «أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا» و نیز فرموده است: «أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ»

از نظر اسلام، پزشکی وسیله ثروت‌اندوزی نیست؛ بلکه مسئولیتی انسانی و شرعی است. از این رو، پزشک نباید قداست طبابت را با آلوده کردن آن به انگیزه‌های مادی خدشه‌دار سازد.

### ۲. حسن خلق

ویژگی اخلاقی دیگر در درمان بیماران این است که پزشک در پذیرش بیمار و برخورد اولیه با او و اطرافیانش، خوش اخلاقی را رعایت کند؛ چون این شیوه در جلب اعتماد بیماران مؤثر و بسیار آرامش‌بخش است. جامعه پزشکی وظیفه دارد خود را به چنین صفتی بیاراید. رسول خدا (ص) در ضرورت حسن خلق می‌فرماید:

لَوْ عَلِمَ الرَّجُلُ مَالَهُ فِي حَسَنِ الْخُلُقِ لَعَلِمَ أَنَّهُ مُحْتَاجٌ أَنْ يَكُونَ لَهُ خُلُقٌ حَسَنٌ

اگر انسان بداند چه [خیری] در خوش خلقی نهفته است، می‌فهمد که به داشتن خلق نیکو احتیاج دارد. پزشک خوش اخلاق همواره محبوب قلب بیماران است و روز به روز به شهرت و موفقیتش افزوده می‌شود و همه جا از او به نیکی یاد می‌کنند.

امام صادق (ع) در تعریف حسن خلق می‌فرماید:

حسن خلق این است که رفتارت را نرم کنی، سخت را نیکوگردانی و با برادرت با گشاده‌رویی ملاقات کنی. نیز می‌فرماید:

سه چیز است که اگر کسی یکی از آنها را انجام دهد خدا بهشت را بر او واجب می‌کند، [یکی از آنها عبارت است از: **الْبِشْرُ لِجَمِيعِ الْعَالَمِ** / خوشرویی با همه مردم.

مردم نیز اخلاق نیکو را دوست می‌دارند و از پزشک خوش خلق و نیکو رفتار خوششان می‌آید و دوست دارند هنگام بیماری نزد او بروند و برای درمان خویش از او کمک بگیرند، به قول سعدی:

اگر حنظل خوری از دست خوشروی      به از شیرینی از دست ترشروی

خوش اخلاقی با مردم تا آن‌جا ارزشمند و دارای اهمیت است که امام صادق (ع) می‌فرماید:

مؤمن، بعد از واجبات، عملی را به خداوند بزرگ پیش کش نمی‌کند که نزد او از خوش اخلاقی با مردم محبوب‌تر باشد. رفتار پزشک باید سرشار از عاطفه و محبت باشد. پزشک نباید از رفتارهای ناشی از ناآگاهی یا کم توجهی بیمار خشمگین شود. پزشک باید خود را سهمیم در شادی یا غم بیمار نشان دهد.

### ۳. وقار

پزشک مؤمن از طرفی، لازم است در برخورد با بیمار و اطرافیانش بشاش و گشاده‌رو باشد و از طرف دیگر، باید مؤدب و جدی باشد و از مرز ادب و وقار خارج نشود.

وقار برای جامعه پزشکی نورانیت می‌آورد و هیبت و شوکت پزشکان را افزون می‌سازد. امیر مؤمنان (ع) می‌فرماید:

**وَقَارُ الرَّجُلِ نُورٌ وَزِينَةٌ**

وقار انسان، نور و زینت است.

نیز می‌فرماید:

**بِالْوَقَارِ تَكْثُرُ الْهَيْبَةُ**

هیبت [انسان] با وقار و سنگینی افزون می‌گردد.

عده‌ای به حدی عبوس و گرفته‌اند که نمی‌توان با آنها سخنی گفت و گروهی دیگر به قدری آزاد و بی‌قید هستند که همه چیز را به شوخی می‌گیرند و در اثر زیاده‌روی در مزاح و بذله‌گویی و رعایت نکردن ادب و عفت کلام، دیگران را آزرده خاطر می‌سازند و دچار گناه و معصیت می‌شوند.

پزشک باید مراقب خود باشد و در برخورد با بیماران، وقار و سنگینی خود را حفظ کند و از مرز اعتدال بیرون نرود و تا حد امکان از مزاح و شوخیهای نامناسب و به دور از شأن جامعه پزشکی دوری جوید. رسول خدا (ص) به علی (ع) فرمود:

یا علی از مزاح بپرهیز که شخصیت تو را از بین می‌برد.

امام علی (ع) فرمود:

وَقَرُّوا أَنْفُسَكُمْ عَنِ الْفُكَاهَاتِ وَمَضَاحِ الْحِكَايَاتِ

وقار خود را حفظ کنید و از شوخیها و حکایت‌های خنده‌آور خودداری ورزید.

کسی که به زیاده‌روی در مزاح و بذله‌گویی گرفتار باشد از وقار او کاسته می‌شود؛ خندیدن بسیار، وقار انسان را از بین می‌برد؛ چنان‌که به خشم آمدن و زود از کوره در رفتن و درستی کردن، انسان را زبون می‌سازد.

مردم به طور معمول از پزشک با وقار و سنگین خوششان می‌آید و از او به احترام و بزرگی یاد می‌کنند. حضرت امیر (ع) می‌فرماید:

إِنَّ تَوَقُّرْتَ أَكْرَمَتْ

اگر با وقار باشی به تو احترام خواهند کرد.

حفظ وقار پزشک مانع از این نمی‌شود که گاهی با بیمار مزاح کند و مسرورش سازد؛ ولی باید حد اعتدال را رعایت کند و از مرز حق خارج نگردد. رسول خدا (ص) فرمود:

من مزاح می‌کنم، ولی سخنی جز حق نمی‌گویم.

#### ۴. آراستگی ظاهر

از ویژگیهای اخلاقی پزشک در درمان بیمار، آراسته بودن او هنگام برخورد با بیماران است.

پزشک باید با لباس و بدنی پاکیزه در محل کار خود حاضر شود و جامه خویش را از پارچه سفید تهیه کند؛ زیرا لباس سفید بهترین و نیکوترین لباس انسان است و در شکفتگی روحیه بیمار بسیار اثر دارد.

در شرع مقدس اسلام، پوشیدن لباس سفید برای نمازگزار مستحب شمرده شده است و لباس سیاه، مکروه.

ارباب سیر و سلوک در مکاشفات تمثلی، خوبان را غالباً در لباس سفید مشاهده می‌کنند و بدان را سیاه. این سفیدی و سیاهی، ظهور و بروز ملکات نیکو و زشت افراد خوب و بد در ماورای طبیعت است. قرآن می‌فرماید:

يَوْمَ تَبْيَضُّ وُجُوهٌ وَ تَسْوَدُّ وُجُوهٌ فَأَمَّا الَّذِينَ اسْوَدَّتْ وُجُوهُهُمْ أَ كَفَرْتُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ وَأَمَّا الَّذِينَ أَبْيَضتْ وُجُوهُهُمْ فَفِي رَحْمَتِ اللَّهِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (آل عمران: ۱۰۶-۱۰۷)

[در آن] روزی که چهره‌هایی سفید و چهره‌هایی سیاه گردد. اما سیاه رویان [پس به آنان گفته می‌شود:] آیا بعد از ایمانتان کفر ورزیدید؟ پس به سزای آن که کفر ورزیدید [این] عذاب را بچشید و اما سفید رویان همواره در رحمت خداوند جاویدانند.

آیه الله حسن‌زاده می‌فرماید:

سخن طیب، بلکه نگاه و نشاط و انبساط و انقباض و دگر حالات گوناگون وی در بیمار اثر بسزا دارد، بلکه لباس سفید طیب سبب شکفتگی بیمار می‌شود. چنان‌که سیاه موجب گرفتگی وی؛ چه این‌که رنگها را اثر تکوینی در حالات انسان است.

افزون بر آراسته بودن از نظر لباس سفید و نظیف بودن، استعمال بوی خوش نیز از امور پسندیده شمرده می‌شود. این آراستگی به منظور بزرگداشت دانش پزشکی و ارج نهادن به شریعت مقدس اسلام در درمان بیماران است.

## درس دهم: اخلاق در درمان پزشکی (۲)

### ۵. وجدان پزشکی

خداوند متعال، در آدمی گوهری گرانبها به ودیعت نهاده که از آن به «وجدان، فطرت و نفس لوامه» تعبیر می‌شود. در قرآن و روایات نیز - به صراحت یا اشاره - از چنین نیرویی یاد شده است؛ قرآن کریم در آیه «... وَ لَا أُقْسِمُ بِالنَّفْسِ اللَّوَّامَةِ» (قیامت: ۲) وجدان را به بزرگی ستوده و به آن سوگند خورده است.

در روایات متعدد، از وجدان آدمی به عنوان میزان و مقیاس در روابط اجتماعی یاد شده است؛ از جمله رسول خدا (ص) در پاسخ مردی که از آن حضرت تقاضا کرد چیزی به او بیاموزد، فرمود:

آن چه را دوست داری مردم با تو رفتار کنند تو درباره آنان رفتار کن و آن چه را دوست نداری با تو رفتار کنند، آن را درباره مردم به کار نگیر.

امام علی (ع) به امام حسن مجتبی (ع) فرمود:

فرزندم! [وجدان] خویشتن را میان خود و دیگران میزان قرار ده! پس آن چه را که برای خود دوست می‌داری برای دیگران دوست بدار و آن چه را که برای خود نمی‌پسندی بر دیگران نیز نپسند.

وجدان، همان نفس، قوای باطنی، نیرو یا حسی پنهان در باطن انسان است که باعث آگاهی او می‌گردد و خوبی و بدی رفتارها به وسیله آن درک می‌شود و مورد قضاوت قرار می‌گیرد.

وجدان، عاملی تعیین کننده در رفتار آدمی در عرصه‌های مختلف زندگی شمرده می‌شود.

برای مثال، وجدان در عرصه پزشکی، عاملی است که سبب می‌شود پزشک خویشتن را در برابر وظیفه‌ای که بر عهده گرفته مسئول شمارد و آن را به نیکوترین وجه انجام دهد و در آن سستی و سهل‌انگاری روا ندارد؛ از زمان دانشجویی تا زمانی که به طور رسمی آغاز به کار می‌کند و پس از آن، برای طبابت سنگ تمام بگذارد، خوب درس بخواند، اطلاعات پزشکی‌اش را افزایش دهد و مهارت لازم را کسب کند، همراه آموزش به تهذیب نفس بپردازد، تقوای الهی پیشه کند، روحیه خیرخواهی را در خود تقویت کند و در میدان عمل و درمان بیماران بسیار جدی و کوشا باشد؛ به گونه‌ای که در پیشگاه الهی اظهار ندامت نکند و در دادگاه وجدان الهی خویش معذّب نباشد.

رسول خدا (ص) به ابن مسعود فرمود:

پسر مسعود، اعمال صالح و کارهای نیک را فراوان انجام بده؛ چون [در قیامت] نیکوکار و بدکار هر دو پشیمان می‌شوند؛ نیکوکار می‌گوید: ای کاش بسیار کار خوب کرده بودم و بدکار می‌گوید: کوتاهی و تقصیر کردم. گواه این مطلب، سخن خداوند است که فرمود: «وَ لَا أُقْسِمُ بِالنَّفْسِ اللَّوَّامَةِ».

براساس این حدیث، نفس لوّامه‌ای که اظهار ندامت می‌کند، وجدان بیدار الهی است که در نهاد انسان وجود دارد. عمل صالح، میدان وسیعی دارد که پزشکی از آن جمله است، پزشک باید در این میدان به گونه‌ای عمل کند که وقتی کارش را محک می‌زند بتواند بگوید واقعاً آن چه در توانم بود انجام دادم و بهتر از آن ممکن و مقدور نبود. پزشک باید در پیشگاه خداوند و وجدان خویش اظهار رضایت و آرامش کند.

ارزشهای دینی، فرهنگی و شخصی پزشک از عوامل مؤثر بر وجدان پزشکی هستند. هر چه ارزشهای حاکم، بر اصول عقیدتی، اخلاقی و معنوی مستحکم‌تری استوار باشند جلوه‌های ارزشمندتری از وجدان پزشکی بروز خواهد کرد و گاه آثاری ماندگار و حماسه‌ای جاوید در تاریخ پزشکی را از خود به یادگار خواهد گذاشت.

برخی از مهم‌ترین جلوه‌های وجدان پزشکی عبارت است از:

**الف. مساوات:** پزشک مؤمن و با وجدان، بین بیمار غنی و فقیر فرق نمی‌گذارد. در اسلام، کسی که به غنی احترام می‌گذارد و برای او از جهت ثروتش امتیازی قرار می‌دهد، نکوهش شده است. پزشک حق ندارد بیمارانی را که وضعیت مالی خوبی ندارند درمان نکند یا آنها را با برخوردهای غیر اخلاقی تحقیر کند، امام علی (ع) می‌فرماید:

لا تُحَقِّرُوا ضِعْفَاءَ أَخْوَانِكُمْ، فَإِنَّهُ مَنِ احْتَقَرَ مُؤْمِنًا لَمْ يَجْمَعْ اللَّهُ بَيْنَهُمَا فِي الْجَنَّةِ إِلَّا أَنْ يَتُوبَ

برادران تهیدست خود را تحقیر نکنید؛ زیرا هر کس مؤمنی را حقیر شمارد، خداوند بزرگ میان آن دو در بهشت جمع نکند، مگر این که توبه کند.

امام رضا (ع) می‌فرماید:

مَنْ لَقِيَ فَقِيرًا مُسْلِمًا فَسَلَّمَ عَلَيْهِ خِلَافَ سَلَامِهِ عَلَى الْغَنِيِّ، لَقِيَ اللَّهَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَهُوَ عَلَيْهِ غَضَبَانُ

هر کس با مسلمانی تهیدست روبه‌رو شود و به او سلامی متفاوت با سلام به ثروتمند کند، روز قیامت خداوند را در حالی ملاقات می‌کند که از او در خشم است.

پزشکان نه تنها وظیفه دارند میان بیماران دارا و ندار فرقی نگذارند، بلکه موظفند همه بیماران خود را - از هر قوم و قبیله و نژادی - به یک چشم بنگرند و در درمان و ارائه خدمات به بیماران، برابری را رعایت کنند.

**ب. سرعت در درمان:** پزشک مؤمن و با وجدان، هنگام مراجعه بیمار به او، بدون فوت وقت، به درمان او می‌پردازد. او رسیدگی به بیماران و درمان آنان را از مصادیق کار خیر می‌داند که قرآن کریم در آیه «فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ...» (بقره: ۱۴۸) به آن فرمان داده است و آیه «أُولَئِكَ يَسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَهُمْ لَهَا سَابِقُونَ» (مؤمنون: ۶۱) شتاب کنندگان به آن را ستوده است.

رسول خدا (ص) می‌فرماید:

إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ مِنَ الْخَيْرِ مَا يُعَجَّلُ

خداوند کار نیکی را که در آن شتاب شود، دوست می‌دارد.

پزشک حق ندارد به علت پرداخت نشدن ویزیت یا کم بودن اجرت، بیمار را با درد و رنجی که دارد، رها سازد و او را مداوا نکند؛ چون او در برابر بیمار مسئولیت دارد. تسریع در درمان، واجبی اخلاقی و انسانی است که با عواطف و سجایای انسانی آمیختگی کامل دارد.

**ج. اهتمام به تشخیص بیماری:** از دیگر جلوه‌های وجدان پزشکی، اهمیت دادن به تشخیص بیماری است. متأسفانه گاه به

دلیل تشخیص نادرست طبیب و تجویز داروی نامناسب، بیماری شدت می‌گیرد یا بیمار جانش را از دست می‌دهد. پزشک باید همه توان خود را برای تشخیص بیماری به کار گیرد و پیش از تشخیص آن، دارو تجویز نکند و اگر فرصت لازم برای تشخیص ندارد، یا خسته است یا به هر دلیل دیگر، آمادگی لازم برای اظهار نظر ندارد، از معاینه بیمار و دادن دارو، به طور جدی خودداری کند.

در احادیث اسلامی بر اهمیت دادن پزشک به تشخیص بیماری تأکید شده است. رسول خدا (ص) به یکی از پزشکان معاصر خود فرمود:

لَا تُدَاوِ أَحَدًا حَتَّى تَعْرِفَ دَاءَهُ

هیچ کس را درمان نکن؛ مگر آن‌گاه که بیماری‌اش را بشناسی.

امام سجاد (ع) می‌فرماید:

مَنْ لَمْ يُعْرِفْ دَاوَاهُ، أَفْسَدَهُ دَوَاؤُهُ

کسی که بیماری‌اش تشخیص داده نشود، دارویش او را تباه می‌کند.

تشخیص درست بیماری به دو چیز وابسته است:

**۱. شرح حال‌گیری:** پزشک باید با دقت سؤالاتی از بیمار بپرسد و از مجموعه پاسخهای بیمار و یافته‌های بالینی، سرخ بیماری را

کشف کند. این کار را در پزشکی، «شرح حال‌گیری» می‌نامند. گرفتن شرح حال یعنی اخذ و ثبت مجموعه‌ای از اطلاعات درباره بیماری کنونی و بیماریهای قبلی بیمار یا هر گونه اطلاعات در ارتباط با آنها.

گرفتن شرح حال در برخی موارد، دشوار است. برای مثال، برای یافتن علت تب در بیماری که هیچ یافته بالینی مهمی ندارد، پزشک باید دامنه وسیعی از سؤالات هدفمند را مطرح کند؛ اما قبل از پرداختن به نحوه شرح حال‌گیری باید این نکته مهم را متذکر شد که برقراری رابطه گرم و صمیمی با بیمار و جلب اعتماد وی، رمز موفقیت در گرفتن یک شرح حال خوب است.

پزشک در ابتدای شرح حال‌گیری، علت اصلی مراجعه بیمار و سپس سؤالاتی در مورد بیماری کنونی از او می‌پرسد و در پایان این پرسش و پاسخ در می‌یابد که در معاینات بالینی خود روی چه قسمتی از بدن وقت بیشتری صرف کند یا کدام آزمایش یا اقدام تشخیصی را درخواست کند. بدیهی است که صداقت بیمار در بیان مشکلاتش و عدم کتمان هر مطلبی در مورد بیماری‌اش، می‌تواند کمکی بزرگ به پزشک و در نهایت به خود وی کند.

**۲. دقت در معاینه:** پزشک؛ بعد از خوب گوش دادن به حرفهای بیمار، باید با حوصله بسیار، او را معاینه کند. این عمل باید با دقت

و ظرافت خاص و به طور کامل انجام گیرد.

**د. رعایت ضرورت در تجویز دارو:** با توجه به این که مصرف دارو در غیر حال ضرورت، برای سلامتی انسان ضرر دارد، شایسته

است پزشک پس از معاینه بیمار، اگر تشخیص داد بیماری جزئی است و نیازی به دارو ندارد، دارو تجویز نکند و در صورت نیاز به دارو، بیش از اندازه لازم دارو تجویز نکند.

**ه. بیان منافع داروها:** پیغمبر اکرم (ص) و امامان معصوم (ع) منافع داروهای تجویزی را برای مراجعان ذکر می‌کردند. این کار، جلوه‌ای دیگر از وجدان پزشکی است و در جلب اعتماد بیمار نسبت به پزشک بسیار مؤثر است. پزشک باید لا اقل به طور مختصر درباره داروی تجویز شده و منافع یا ضررهای جانبی آن برای بیمار توضیح دهد.

**و. ارجاع بیمار به متخصص:** پزشک برخوردار از وجدان پزشکی در مورد بیماریهایی که تخصص ندارد، به ناتوانی خود اعتراف می‌کند و در این گونه موارد، بیمار را به پزشک متخصص ارجاع می‌دهد؛ چون وارد شدن پزشک در حوزه‌ای که تخصص ندارد و اظهار نظر کردن در آن، سبب گمراه ساختن و چه بسا هلاکت بیمار می‌شود. امام علی (ع) می‌فرماید:

مَنْ تَرَكَ قَوْلَ «لَا أَدْرِي» اصِيبَتْ مَقَاتِلُهُ

هر که از گفتن «نمی‌دانم» لب فرو بندد، به گردابه‌های نابودی فرو افتد.

### درس یازدهم: اخلاق در درمان پزشکی (۳)

#### ۶. احترام به شخصیت بیمار

احترام به شخصیت بیماران از مهم‌ترین اصول اخلاق پزشکی در درمان بیماران است. پزشک از نظر اخلاقی وظیفه دارد به شخصیت، استقلال و آزادی بیماران احترام بگذارد و حق ندارد هیچ بیماری را ناچیز شمارد. رسول خدا (ص) می‌فرماید:

لَا تُحَقِّرَنَّ أَحَدًا مِنَ الْمُسْلِمِينَ فَإِنَّ صَغِيرَهُمْ عِنْدَ اللَّهِ كَبِيرٌ

هیچ یک از [کوچک و بزرگ] مسلمانان را کوچک نشمارید؛ زیرا خردسالان مسلمان نیز در پیشگاه خداوند بزرگند. امام صادق (ع) می‌فرماید:

اَوْصِيكَ أَنْ تَتَّخِذَ صَغِيرَ الْمُسْلِمِينَ وَلَدًا وَأَوْسَطَهُمْ أَخًا وَكَبِيرَهُمْ أَبًا فَارْحَمْهُمُ وَلَدَكَ وَصِلْ أَخَاكَ وَبِرَّ أَبَاكَ

تو را سفارش می‌کنم که خردسالان مسلمان را به فرزند، میانسالان را به برادری و بزرگسالان را به پدری بگیری و [همانند رفتاری که در خانه داری] به خردسالان عطف کن، به برادران دینی ببیوند و به پدران دینی ات نیکی نما. نیز می‌فرماید:

هر کس به برادر مسلمان خود که نزد او آمده احترام کند، خدا را احترام کرده است.

برخی از جلوه‌های احترام به شخصیت بیماران عبارت است از:

**الف. برخورد دوستانه و با صداقت:** پزشک اگر می‌خواهد بیمار شخصیتی مستقل داشته باشد و آزادانه تصمیم بگیرد، باید با او ارتباطی نیکو برقرار کند. لازمه برقراری ارتباط نیکو با بیمار، خوب گوش دادن به حرفهای او هنگام شرح حال‌گیری است. پزشک، ابتدا اطلاعات لازم درباره بیمار را به دست می‌آورد و سپس وی را از تشخیص، نحوه ایجاد بیماری و درمان آن به طور دقیق و کافی آگاه می‌سازد. این ارتباط و برخورد صادقانه بسیار مهم است و به پزشک این امکان را می‌دهد تا بیمار را درک کند و بتواند اطلاعات لازم و کافی را به بیمار منتقل سازد و درباره آن چه که قصد انجام آن را دارد از نظرات و تمایلات او با خبر شود. پزشک با برقراری یک ارتباط خوب با بیمار، متوجه خواهد شد که او به اطلاعات بیشتری نیاز دارد یا خیر؟ روشن است که هر چه اطلاعات بیشتر باشد بیمار بهتر می‌تواند تصمیم بگیرد.

**ب. مشورت کردن با بیمار:** جلوه دیگر احترام به شخصیت بیمار، این است که پزشک به استقلال فکری و آزادی بیمار در تصمیم‌گیری برای درمان و چگونگی آن، ارج نهاده، با او و در صورت نیاز با همراهان یا نزدیکان به مشورت بنشیند و موافقت آنان را قبل از هر عملی به دست آورد، سپس اقدام به درمان کند.

**ج. اجتناب از دروغ و نیرنگ:** جلوه دیگر ارج‌گذاری به شخصیت بیمار، آن است که پزشک در تشخیص و درمان بیماری از روشهای غیراخلاقی، ریاکارانه و فریب‌دهنده استفاده نکند و در مورد بیماری، حقیقت را - جز در مواردی خاص که با منافع بیمار مغایرت دارد - از بیمار پنهان نسازد که مجبور به دروغ‌گویی شود.

**د. وفای به عهد:** نمود دیگر ارج نهادن به شخصیت بیمار، حضور به موقع پزشک در وعده ملاقاتهاست. بیماران بر اساس قول و وعده‌ای که به آنها داده می‌شود خود را جهت معالجه در اختیار پزشک قرار می‌دهند. عدم حضور به موقع پزشک و برهم زدن قرار ملاقات با بیمار، مصداق عهدشکنی و مورد نکوهش است. امام علی (ع) به مالک اشتر می‌فرماید:

بیرهیز از این که به مردم وعده بدهی و تخلف کنی ... زیرا [تخلف از وعده] موجب خشم خدا و مردم خواهد شد، چنان که می‌فرماید: **كَبْرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ** (نزد خدا بسیار خشم‌آور است که بگویید چیزی را که به آن عمل نمی‌کنید).

## ۷. ارائه اقدامات سودمند

هدف اصلی در حرفه پزشکی، کمک به بیماران و ارائه خدمات مفید و سودمند به آنان است. پزشکان از لحاظ شغلی و اخلاقی وظیفه دارند به یاری بیماران بشتابند و سودمندترین خدمات را به آنان ارائه دهند.

امام علی (ع) می‌فرماید:

**مَنْ وَجَّهَ رَغْبَتَهُ إِلَيْكَ وَجِبَتْ مَعُونَتُهُ عَلَيْكَ**

هر کس به تو روی آورد یاریش بر تو لازم می‌شود.

کمک پزشک به بیمار در پاره‌ای از موارد، خطرناک و آسیب‌هایی را همراه دارد، ولی پزشک و سایر کارکنان بخشهای درمانی باید نهایت دقت و تلاش خود را به کار گیرند تا بتوانند اقدامات مفید و سودمندی را به بیمار ارائه دهند که حداقل صدمه و آسیب جسمی و روحی را همراه داشته باشد. از این‌رو، لازم است پزشک قبل از هر اقدامی، میزان نتایج مفید و خطرات احتمالی را به دقت مورد بررسی و سنجش قرار دهد تا این احتمالات به طور روشن مشخص شوند.

اگر پزشک در مقایسه دو نوع اقدام تشخیصی و درمانی، متوجه شود که یکی بسیار مفید و سبب حفظ جان بیمار می‌گردد و دومی به احتمال زیاد فایده‌ای به حال بیمار نداشته باشد، از نظر اخلاقی باید موردی را برگزیند که بیشترین فایده را به حال بیمار دارد و کمترین صدمه و عارضه را نیز همراه دارد. ارائه اقدامات سودمند به بیماران و اجتناب از آسیب وارد کردن به آنان، با رعایت نکات زیر از سوی پزشکان محترم امکان‌پذیر خواهد بود:

**الف.** به روز نگه داشتن معلومات علمی و مهارتهای حرفه‌ای (با مطالعه کتابها و مقالات معتبر و شرکت در سمینارهای پزشکی، بازآموزیها و کارگاههای عملی)؛

**ب.** مشاوره با دیگر همکاران و ارجاع بیمار به همکاران متخصص در صورت نیاز؛

**ج.** ارائه اطلاعات مفید پزشکی به بیمار و بستگانش، جهت بهبودی بیماری او؛



د. استفاده از همکاران با کفایت در درمان بیماران.

## ۸. عدالت

عدالت، ترازویی است که خداوند سبحان برای برپا داشتن حق در میان مردم قرار داده و به همگان فرمان داده که براساس آن رفتار کنند. قرآن کریم می‌فرماید:

إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ ... (نحل: ۹۰)

همان خداوند به عدل و احسان فرمان می‌دهد.

امام علی (ع) می‌فرماید:

خداوند متعال، عدالت را برپا دارنده و تنظیم کننده امور مردم، و مایه دوری از حق کشیها و گناهان و وسیله آسانی و گشایش برای اسلام قرار داده است.

فردوسی می‌گوید:

خود ایمن بخشبی و از داد شاد

گر ایمن کنی مردمان را به داد

عدالت دارای معانی متعددی است؛ اما منظور از آن در اخلاق پزشکی، عدالت اجتماعی به معنای توزیع مناسب منابع و امکانات، عدالت قانونی به معنای حفظ احترام به قوانین و عدالت در حقوق به معنای رعایت اصل احترام به حقوق مردم است.

جامعه پزشکی برای درمان بیماران باید نکات زیر را رعایت کنند:

**الف.** عدم تبعیض بین بیماران؛ پزشک باید بین بیماران از نظر نژاد، رنگ، ملیت، مذهب، موقعیت اجتماعی، برخورداری از ثروت و ... تفاوتی نگذارد.

**ب.** پذیرش و درمان تمام بیماران اورژانسی، حتی بیماران فقیر، ناآشنا و فاقد پرونده.

**ج.** انجام درمان بر حسب ضرورت و نیاز؛ پزشک باید از انجام درمانهای غیرضروری، به منظور کسب درآمد برای خود و همکاران، به طور جدی خودداری کند.

**د.** نگرفتن رشوه از بیماران، شرکتها و وارد کنندگان دارو و همکاران.

**ه.** عدم ارائه گواهی و شهادت دروغ.

**و.** پزشک باید از هر نوع اقدام و رفتار غیر اخلاقی که به دور از عدالت و انصاف است، دوری جوید و اگر یکی از همکاران او به چنین اقدامات غیراخلاقی دست زند، مراتب را تذکر دهد و از حیثیت حرفه‌ای خود دفاع کند.

## درس دوازدهم: اخلاق در درمان پزشکی (۴)

### ۹. رازداری

یکی دیگر از ویژگیهای مهم اخلاق پزشکی، رازداری است. بسیاری از بیماران دردهای خود را از بستگانشان پنهان می‌سازند؛ اما آن بیماریها را به عنوان اسرار نهانی خود، برای پزشکان آشکار می‌کنند. روایات اسلامی به بیمار توصیه می‌کنند بیماری نهانی خود را به پزشک معالج بگویند چنان که امام علی (ع) می‌فرماید:

مَنْ كَتَمَ مَكْنُونِ دَائِهِ، عَجَزَ طَبِيبُهُ عَنْ شِفَائِهِ

هر که درد نهانی خویش را پنهان سازد، طبیبش از درمان وی ناتوان می‌شود.  
نیز می‌فرماید:

هر کس بیماری‌اش را از پزشکان پنهان سازد، بر بدن خود خیانت کرده است.

پزشکان باید امانتدار باشند و راز بیمار را افشا نسازند. وقتی بیمار به پزشک اعتماد کرده، اسرار مگوی خود را با او در میان می‌گذارد، پزشک وظیفه دارد از افشای آن نزد دیگران خودداری ورزد.

رسول خدا (ص) می‌فرماید:

الْمَجَالِسُ بِالْأَمَانَةِ وَأَفْشَاءُ سِرِّ أَخِيكَ خِيَانَةٌ فَاجْتَنِبْ ذَلِكَ

مجالس، امانت است و فاش کردن راز برادرت، خیانت؛ از آن دوری کن.

امام علی (ع) می‌فرماید:

مَنْ أَفْشَى سِرًّا اسْتُودِعَهُ فَقَدْ خَانَ

هر کس رازی را که به او [امانت] سپرده شده، فاش سازد، به طور قطع خیانت کرده است.

فلسفه اصلی رازداری پزشک، جلب اعتماد بیمار است تا بیمار بتواند با آرامش خاطر، اسرار خود را برای معالجه شدن در اختیار پزشک معالج قرار دهد و بیماری‌اش را درمان کند تا به این وسیله بتواند بهبودی خود را به دست آورد.

فاش‌سازی این‌گونه اسرار برای پزشک جایز نیست، مگر در جایی که قانون به او اجازه چنین کاری را داده باشد. در غیر این‌صورت، اگر پزشکی تخلف کرد و اسرار بیمار را فاش ساخت، بیمار حق شکایت از او را به مراجع قضایی و نظام پزشکی دارد. در ماده ۶۴۸ قانون مجازات اسلامی آمده است:

اطبا، جراحان، ماماها، داروسازان و کلیه کسانی که به مناسبت شغل یا حرفه خود محرم اسرار می‌شوند، هرگاه در غیر از مواردی که بر حسب قانون ملزم می‌باشند، اسرار مردم را افشا کنند، سه ماه و یک روز تا یکسال حبس و به یک میلیون و پانصد هزار تا شش میلیون ریال جزای نقدی محکوم خواهند شد.

## ۱۰. امیدواری و امیدبخشی

یکی دیگر از ویژگیهای اخلاقی که موجب توانمندی پزشک نسبت به درمان بیماران می‌شود، عبارت است از: امیدوار بودن خود و امیدوار ساختن بیماران به بهبودی.

**الف. امیدواری پزشک:** امید از بزرگ‌ترین نعمتهای الهی است که اگر این نعمت - به ویژه هنگام معالجه بیماریهای صعب‌العلاج - از

پزشک گرفته شود، جنب و جوش از او سلب می‌گردد و رخوت و سستی او را از انجام وظیفه باز می‌دارد. رسول اکرم (ص) می‌فرماید:

امید و آرزو برای امت من رحمت است. اگر امید نبود هیچ مادری فرزندش را شیر نمی‌داد و هیچ کس درختی نمی‌کاشت.

پزشکان باید با توکل به خدا و به کارگیری همه توان خود، به درمان مریض پردازند و به کمک و شفای خداوند امیدوار باشند. امام علی (ع)

می‌فرماید:

مَنْ بَدَلَ جُهْدَ طَاقَتِهِ بَلَّغَ كُنْهَ ارَادَتِهِ

کسی که همه توانش را به کار گیرد، به طور قطع به حقیقت خواسته‌اش می‌رسد.

پزشک باید در معالجه همه بیماران، امید خود به خداوند و کمکهای غیبی او را از دست ندهد.

**ب. امیدبخشی به بیمار:** یأس و نومیدی، بیماری را در انسان تشدید می‌کند و سبب درد و رنج بیشتر می‌شود. امام علی (ع) فرمود: سخت‌ترین بلا، ناامیدی است. «اعظمُ البلاءِ انقطاعُ الرجاءِ» نامیدی گاهی منجر به مرگ بیمار می‌گردد؛ چنان‌که حضرت علی (ع) فرمود:

قَتَلَ الْقُنُوطُ صَاحِبَهُ

ناامیدی، شخص غیر امیدوار را می‌کشد.

امیدواری به بهبودی، از رنج بیماری می‌کاهد و به بیمار قدرت می‌دهد بر بیماری غلبه کند.

یکی از وظایف مهم پزشک، به ویژه در مورد بیماری‌های خطرناک، امیدبخشی و تقویت روحیه بیمار است. رسول خدا (ص) می‌فرماید:

اِذَا دَخَلْتُمْ عَلَى الْمَرِيضِ فَتَنَّفِسُوا لَهُ فِي الْاَجْلِ، فَاِنَّ ذَلِكَ لَا يَرُدُّ شَيْئًا وَهُوَ يُطِيبُ النَّفْسَ

هنگامی که به عیادت بیمار رفتید، او را به زندگی امیدوار سازید. این کار مقدرات را تغییر نمی‌دهد، ولی وسیله آرامش خاطر بیمار می‌شود.

امام خمینی (ره) در این باره خطاب به پزشکان و پرستاران می‌فرماید:

یکی از اموری که کمک می‌کند به خوب شدن مریضها و اعاده صحت برای آنها، این است که پزشک آنها، پرستار آنها، به آنها تقویت روانی بدهد. اگر انسان، اعتقادش شد که خوب می‌شود از این مرض، این کمک می‌کند به اعاده صحت؛ و اگر نظرش این طور شد که در این مرض دیگر خوب نمی‌شود، این او را به هلاکت زودتر می‌برد و این به عهده پزشکان ... و پرستارهاست. این نکته را باید در نظر داشته باشند که عطفوت به آنها و امید دادن به آنها و وعده سلامت به اذن الله برای آنها، کمک می‌کند به صحت آنها ... فرضاً یک مریضی به نظر شما حتماً از این مرض نجات پیدا نمی‌کند، لکن اولاً دست غیب هم در کار هست که آن ماورای نظر امثال ماست و شما هم مایوس نباشید و ثانیاً این که چه بهتر که یک مریضی که از این دنیا می‌خواهد برود با دل خوش از شما برود، با امید باشد. این طور نباشد که به او گفته شود تو خوب نمی‌شوی. همین در زود مردن او و در طولانی شدن مرض او کمک می‌کند و با دل افسرده از این دنیا می‌رود. لکن اگر به او امید دادید، محبت کردید، نوازش کردید، خدمت صادقانه کردید، با روی خوش خدمت کردید به این مریضها که افسرده‌اند اکثراً، اگر این طور باشد، بر فرض این که از دنیا هم برود، با یک روح امیدوار و شیرین از این دنیا می‌رود و این برای شما ارزشمند است.

## راههای امیدوار کردن بیمار

برخی از راههای امید آفرینی در بیماران عبارت است از:

### ۱. توجه دادن به معنویت

بهترین راه امید آفرینی در بیمار، توجه دادن بیمار به معنویت، توکل و اعتماد به خدا، ذکر، دعا و توسل به اهل بیت (ع) است؛ چون طیب واقعی، خداوند است و درمان هیچ دردی برای او دشوار نیست و چه بسا دردهای بی‌درمان که با دعا و توسل شفا یافته است. پزشک می‌تواند با ایجاد فضایی معنوی، روح نیاز به خداوند را در بیمار قوت بخشیده، بذر امید در دل او بکارد.

امام کاظم (ع) می‌فرماید:

لِكُلِّ دَاءٍ دُعَاءٌ فَإِذَا أَلِهُمَّ الْمَرِيضُ الدُّعَاءَ فَقَدْ أَدِنَ اللَّهُ فِي شِفَائِهِ

برای هر دردی دعایی است که هرگاه آن دعا به بیمار الهام شود، خداوند به شفای او اذن می‌دهد.

### ۲. کوچک جلوه دادن بیماری

پزشک می‌تواند با کوچک شمردن بیماری، به بیمار امید دهد و به بهبودی‌اش کمک کند.

رسول خدا (ص) هرگاه با بیماری روبه‌رو می‌شد، می‌فرمود:

لا بَأْسَ عَلَيْكَ طَهُورٌ أَنْ شَاءَ اللَّهُ

نگران نباش! [چیزی نیست] ان شاء الله سبب پاک شدن تو [از گناهان] است.

### ۳. توجه دادن به آثار معنوی بیماری

پزشک می‌تواند با بر شمردن آثار معنوی بیماری، نور امید و خشنودی در دل بیمار بیفزورد و تحمل بیماری را برای او آسان سازد. رسول اکرم (ص) می‌فرماید:

از بی‌تابی مؤمن بر بیماری درشگفتیم! اگر او می‌دانست چه پاداشی در بیماری است، دوست می‌داشت پیوسته بیمار باشد تا پروردگارش را دیدار کند.

## درس سیزدهم: اخلاق در درمان پزشکی (۵)

### ۱۱. پاسداشت زندگی بیمار

یکی دیگر از ویژگیهای مهم اخلاقی در درمان بیماران، پاسداری از حق حیات و زنده ماندن بیماران است. زنده ماندن، بدیهی‌ترین حق آدمی است و بر همه افراد، جوامع و حکومتها واجب است این حق را پاس دارند و از تعرض به آن جلوگیری کنند. قرآن کریم می‌فرماید:

... مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا ... (مائده: ۳۲)

هر کس کس دیگر را نه به قصاص قتل کسی یا ارتکاب فساد بر روی زمین بکشد، چنان است که همه مردم را کشته باشد و هر کس که به او حیات بخشد چون کسی است که همه مردم را حیات بخشیده باشد.

وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ ... (اسراء: ۳۳)

کسی را که خدا کشتن او را حرام کرده - جز به حق - نکشید.

وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مَّتَعْمَدًا فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَلَعَنَهُ وَأَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا. (نساء: ۹۳)

هر کس مؤمنی را به عمد بکشد، کیفر او جهنم است که در آن همواره خواهد بود و خدا بر او خشم گیرد و لعنتش کند و برایش عذابی بزرگ آماده سازد.

رسول خدا (ص) می‌فرماید:

سوگند به آن که جانم در دست اوست، اگر همه اهل آسمانها و زمین در کشتن مؤمنی همداستان شوند یا به کشتن او رضایت دهند، خداوند همه آنها را به آتش می‌برد.

امام باقر (ع) می‌فرماید:

هر کس به عمد مؤمنی را بکشد، خدای متعال همه گناهان [مقتول] را برای او ثبت می‌کند و مقتول از [آن] گناهان پاک می‌گردد و این سخن خداوند متعال است که [به نقل از هابیل خطاب به قابیل] فرمود:

«أُرِيدُ أَنْ تَبُوءَ بِإِثْمِي وَإِثْمِكَ فَتَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ النَّارِ».

افراد جامعه نه تنها وظیفه دارند حق زنده ماندن یکدیگر را پاس دارند، بلکه باید حیات انسانی خویش را محترم شمارند. از این‌رو، هیچ کس حق ندارد به خویشتن جراحت وارد سازد یا خودکشی کند.

قرآن کریم در این باره می‌فرماید:

... وَ لَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا (نساء: ۲۹)

خود [و یکدیگر] را نکشید که خدا با شما مهربان است.

رسول خدا (ص) می‌فرماید:

هر کس خودش را در دنیا با هر وسیله‌ای بکشد، روز قیامت با همان وسیله عذاب می‌شود.

نیز می‌فرماید:

در زمانهای پیش از شما، مردی جراحی برداشت و از شدت درد و بی‌تابی کاردی برداشت و با آن دستش را قطع کرد و از شدت خونریزی مرد.

پس خداوند فرمود: بنده‌ام، در گرفتن جان خود بر من پیشی گرفت ... بهشت را بر او حرام کردم.

امام باقر (ع) می‌فرماید:

مؤمن به هر بلایی گرفتار می‌شود و با هر مرگی می‌میرد، اما خودکشی نمی‌کند.

امام صادق (ع) می‌فرماید:

هر کس خودش را به عمد بکشد، همواره در آتش دوزخ خواهد بود.

بنابراین، وظیفه اخلاقی پزشکان ایجاب می‌کند که نهایت تلاش خود را در پاسداشت زندگی بیماران خویش به کار گیرند تا سلامت را به آنان بازگردانند. بیماران نیز وظیفه دارند به رهنمودهای پزشک حاذق گوش جان سپارند و دستورهای او را فرمان برند تا سلامت خویش را باز یابند.

با این مقدمه، وظیفه اخلاقی پزشکان و بیماران در مرگ آسان (اتانازی)، سقط جنین و مانند آن روشن می‌شود. از پرسشهای اساسی که امروزه

در محافل پزشکی مطرح می‌شود، این است که آیا پزشک حق دارد داروهای مسکنی به بیمار بدهد که درد او را کاهش می‌دهد، ولی مرگش را

سرعت می‌بخشد؟ آیا پزشک از نظر اخلاقی حق دارد به کسانی که به مرگ مغزی دچار شده‌اند یا بیماری صعب‌العلاج دارند، کمک کند تا

آسان بمیرند و از درد و رنج بیماری خلاص شوند؟ آیا بیمار حق دارد از پزشک خود بخواهد او را در زودتر مردن کمک کند؟

چنین کاری در اصطلاح پزشکی، اتانازی (Euthanasie) نامیده می‌شود. اتانازی به معنای مرگ خوب یا مرگ راحت است. این واژه برای

اولین بار توسط «فرانسیس بیکن» - که مرگ بدون رنج را مطرح می‌کرد - وارد فرهنگ پزشکی شد. شورای حقوق و قضایی پزشکی آمریکا،

اتانازی را این‌گونه تعریف می‌کند.

اتانازی، یعنی عمل ایجاد مرگ با روشی نسبتاً سریع و بدون درد و به دلایل ترحم‌انگیز در فردی که از بیماری لاعلاجی رنج می‌کشد.

از دیدگاه اسلام انجام اتانازی به هر شکل، غیر مجاز است و با موازین اخلاقی اسلام سازگاری ندارد. از این‌رو، پزشک حق ندارد با تزریق دارو

و مانند آن به زندگی رنج‌آور افراد مبتلا به بیماریهای درمان‌ناپذیر خاتمه دهد، هرچند که چنین کاری با هماهنگی و رضایت خود بیمار بخواهد

صورت بگیرد. قتل از روی ترحم براساس اطلاق آیات و روایات، از مصادیق قتل عمد شمرده می‌شود.

از سوی دیگر، بیماری، در منظر اسلام، بدون حساب و کتاب و بی‌اجر و پاداش نیست که سرعت بخشیدن در مرگ او سبب آسایش واقعی او

گردد؛ زیرا براساس روایات؛ ناله مؤمن هنگام بیماری تسبیح است؛ فریادش «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» گفتن است؛ خوابیدنش بر بستر، عبادت است و از

پهلوی به پهلوی چرخیدنش، جهاد در راه خدا است. ارزش و پاداش یک شب بیداری به علت بیماری یا درد، از یک سال عبادت کردن برتر و بیشتر

است. اگر پرده‌ها کنار می‌رفت و حقیقت امر برای بیمار کشف می‌شد، دوست می‌داشت همواره با بیماری دست به گریبان باشد تا به لقای

پروردگارش نایل گردد.

نیز پزشک از نظر اخلاقی مجاز نیست دارویی برای بیمارش تجویز کند که به سقط جنین او بینجامد، اگر چه چنین کاری با هماهنگی و رضایت بیمار بخواهد انجام شود. سقط جنین در اسلام محکوم است؛ مگر در موارد استثنایی که چاره کار منحصر در آن باشد. بیمار نیز مجاز نیست دارویی مصرف کند یا کاری انجام دهد که سبب سقط جنین او شود.

اسحاق بن عمار می‌گوید: از امام کاظم (ع) درباره زنی که از ترس حاملگی، برای سقط جنین خود دارو می‌خورد، سؤال کردم. آن حضرت فرمود: جایز نیست. عرض کردم: هنوز در مرحله نطفه است. فرمود: نقطه شروع خلقت (جنین)، نطفه است.

## ۱۲. دعا برای بیمار

از پزشک انتظار می‌رود علاوه بر به کارگیری تدابیر لازم در طبابت، برای بیمار خود دعا کند و شفای او را از طبیب حقیقی بخواهد. رسول خدا (ص) فرمود:

بیماران را عیادت کنید ... و برای بیمار دعا کنید و بگویید: «اللَّهُمَّ اشْفِهِ بِشِفَائِكَ وَدَاوِهِ بِدَوَائِكَ وَعَافِهِ مِنْ بَلَائِكَ.»

نیز فرمود:

هرگاه پیامبر خدا (ص) نزد بیماری می‌رفت یا بیماری را نزد او می‌آوردند، می‌فرمود: ای پروردگار مردمان! درد را ببر، شفا بده که تویی شفا دهنده، جز شفای تو شفایی نیست، شفایی [ده] که [چون بیاید] هیچ‌گونه بیماری‌ای بر جای نگذارد.

## ۱۳. دیگر ویژگیها

افزون بر موارد یاد شده، ویژگیهای دیگری را نیز می‌توان در درمان پزشکی برشمرد. برخی از آنها به طور فهرست‌وار عبارتند از:

شرح صدر، امانت‌داری، درستکاری، انتقادپذیری، راهنمایی و آموزش بیمار و اطرافیان او در مورد مسایل ضروری، استمرار مراقبت‌ها از بیمار، رعایت تعرفه سازمان نظام پزشکی و خودداری از تسلیم مدارک و اسناد پزشکی بیمار به اشخاصی که حق دریافت آنها را ندارند.

## درس چهاردهم: آسیب‌شناسی اخلاق پزشکی (۱)

انسانهای غیر معصوم، کم و بیش در معرض آسیبهای اخلاقی و معنوی قرار دارند که اگر بهداشت اخلاقی را مراعات نکنند، گرفتار و بیمار خواهند شد. بیماری اخلاقی به مراتب از بیماری جسمی زیان‌بارتر است.

پیش از پرداختن به آسیب‌شناسی اخلاق پزشکی، یادآوری این نکته ضروری است که برخی از رداییل اخلاقی و آفتهای معنوی، عمومی و همگانی است؛ ولی انسانها به تناسب فرهنگ، شغل، کشور، آداب و رسوم و دیگر متغیرها ممکن است نسبت به برخی از بداخلاقیها آسیب‌پذیر باشند. به طور مثال، یک استاد دانشگاه آن قدر که در معرض غرور علمی قرار می‌گیرد، در خطر دروغ یا فحش قرار نمی‌گیرد و بر عکس، یک راننده هیچ‌گاه گرفتار غرور علمی یا سرقت ادبی نمی‌شود.

امام علی (ع) درباره آسیبهای اخلاقی مشاغل و طبقات مختلف اجتماعی می‌فرماید:

خداوند شش گروه را برای شش صفت عذاب می‌کند: عرب را برای تعصب نژادی، کدخدایان و مَلّاکین را برای تکبر، فرمانروایان را برای ستمگری، فقیهان را برای حسد، بازرگانان را برای خیانت و روستاییان را برای نادانی.

منظور از حدیث این نیست که این گروهها به طور حتم به خصلتهای یاد شده مبتلا هستند و در نتیجه گرفتار عذاب الهی می‌شوند؛ بلکه مراد این است که آنان بیش از دیگران در معرض آفتهای یاد شده قرار می‌گیرند و حدیث در مقام هشدار و ایجاد حساسیت هر چه بیشتر برای این طبقات اجتماعی نسبت به آن آفتهای است.

آسیبهای اخلاقی که جامعه پزشکی را بیش از اقشار دیگر تهدید می‌کنند، عبارتند از:

## ۱. بی تفاوتی

پزشک در برابر جان و سلامتی بیماران مسئول است. حرفه پزشکی و سوگندی که پزشک در آغاز کار خورده او را موظف می‌کند بدون درنگ به نجات بیماران بپردازد، هیچ‌گونه سستی و بی تفاوتی از سوی پزشکان، پسندیده و پذیرفته نیست؛ چه بسا یک دقیقه تأخیر جان بیمار را به خطر بیندازد. کوتاهی پزشک در رسیدگی به بیمار، در دنیا و آخرت گریبان او را می‌گیرد.

## ۲. تندخویی

خداوند متعال به رسول اکرم (ص) می‌فرماید:

... وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظًا لَافْتَضُوا مِنْ حَوْلِكَ (آل عمران: ۱۵۹)

اگر تندخو و سخت دل بودی (مردم) از گرد تو پراکنده می‌شدند.

امیر مؤمنان (ع) می‌فرماید:

سَوْءُ الْخُلُقِ يُوَحِّشُ الْقَرِيبَ وَيَنْفِرُ الْبَعِيدَ

بد اخلاقی، [افراد] نزدیک را می‌رماند و دور را منزجر می‌سازد [و فراری می‌دهد].

نیز می‌فرماید:

مَنْ لَمْ يُحْسِنْ خُلُقَهُ لَمْ يَنْتَفِعْ بِهِ قَرِينُهُ

هر که اخلاقش را نیکو نگرداند، همراهش، از او بهره نمی‌برد.

بدرفتاری و تندخویی پزشک با بیماران، گذشته از آثاری که در روایت ذکر شد مشکلی بر مشکلات بیمار می‌افزاید. از این رو، پزشک، پرستار و دیگر دست‌اندرکاران درمان بیمار، حتی اگر اندوهگین باشند، نباید اندوه را به بیمار و همراهان وی منتقل کنند؛ چون آنان خود از درد و رنج بیماری در عذاب هستند.

بنابراین، کادر پزشکی باید به شدت از تندخویی و بدرفتاری با بیماران دوری جویند و حتی اگر بیمار در شرایط ویژه‌ای قرار داشته باشد، باید کاری کنند که با ابتلا به آفات اخلاقی و رفتاری، ارتباطشان با بیمار دچار آسیب و اختلاف نگردد.

## ۳. نداشتن تخصص کافی

پیامبر اکرم (ص) به طیبی به نام «شَمْرَدَل» فرمود:

لَا تُدَاوِ أَحَدًا حَتَّى تَعْرِفَ دَاءَهُ

تا درد کسی را تشخیص نداده‌ای به مداوایش نپرداز.

اگر پزشک بدون داشتن تخصص لازم اقدام به درمان بیمار کند، باعث می‌شود بیماری شدیدتر و چه بسا مزمن یا غیرقابل درمان شود و بیمار از نظر مادی ضرر ببیند.

## ۴. بی تقوایی

نهایت تلاش کادر پزشکی، سلامت جسمی بیماران است. حال اگر از چنین کاری روح پزشک و پرستار و بهیار آسیب ببیند، یک معادله معکوس و زیانبار شکل می‌گیرد که هیچ خردی آن را نمی‌پذیرد. پس باید کوشید تا انجام وظیفه نسبت به بندگان خدا با نافرمانی خدا انجام نگیرد.

پزشک و پرستار باید همواره به یاد داشته باشند که به عنوان امین مردم شناخته شده‌اند. از این‌رو، شایسته است نسبت به درمان بیمار سهل‌انگاری نکنند، کرامت انسانی و حریم شرعی بیمار را مراعات کنند، احترام جسم و آبروی او را نگه دارند، حکم شرعی را هنگام درمان - طبق نظر مرجع تقلید خود- مراعات کنند، مسائل اخلاقی، مانند: چشم‌پاکی، حسن خلق، وفا به وعده، انصاف، صداقت و نوع دوستی را رعایت کنند.

## ۵. دروغ

دروغ‌گویی آسیبی جدی برای فرد و جامعه است و در روابط صحیح اجتماعی اختلال ایجاد می‌کند. دروغ از هر کسی سر بزند زشت است؛ اما کسی توقع شنیدن دروغ از پزشکان را ندارد.

امیر مؤمنان (ع) می‌فرماید:

مَا أَقْبَحَ الْكِذْبَ بِذَوِي الْفَضْلِ

چقدر زشت است دروغ صاحبان فضیلت!

دروغ علاوه بر کیفر اخروی، بر اندیشه و کردار دروغگو نیز تأثیر منفی دارد و موقعیت اجتماعی او را نیز خدشه‌دار می‌کند. دروغ گفتن به بیمار، مسئولان بهداشت و درمان و بیمارستان، نوشتن نسخه و گواهی پزشکی غیر واقعی از مواردی است که افزون بر ممنوعیت اخلاقی و حرمت شرعی، به شأن و منزلت پزشک آسیب می‌زند و چه بسا در روند درمان اختلال ایجاد می‌کند.

## درس پانزدهم: آسیب‌شناسی اخلاق پزشکی (۲)

## ۶. پول‌مداری

مداوای بیمار، وظیفه‌ای انسانی و اخلاقی محسوب می‌شود و اگر با نیت خالص و قصد خدمت به هم‌نوع انجام گیرد، بسیار ارزشمند است و افزون بر پاداش اخروی، سعادت و بهروزی دنیوی را در پی دارد. چنین کار ارزنده‌ای نباید به اغراض مادی آلوده گردد و از مرز انصاف و دریافت دستمزد عادلانه بگذرد و جنبه تجاری یا خدای نکرده سرکیسه کردن بیماران بگیرد.

پول‌مداری و زیاده‌طلبی، لغزشگاهی خطرناک است که هیچ‌گاه با انسانیت و سعادت آدمی سازگاری ندارد و فرایند بهداشت و درمان را مختل می‌سازد. از این‌رو، شایسته است پزشکان در گرفتن دستمزد از بیماران، انصاف داشته باشند، از بیمار دزدی اجتناب ورزند. تبانی با بیمارستان، آزمایشگاه‌ها، شرکت‌های دارویی و صاحبان داروخانه‌ها یا گرفتن رشوه از افراد برای اظهار نظر پزشکی از مصادیق دنیا پرستی است.

امیر مؤمنان (ع) می‌فرماید:

تَسَعَةُ أَشْيَاءَ مِنْ تَسَعَةِ أَنْفُسٍ هُنَّ مِنْهُمْ أَقْبَحُ مِنْ غَيْرِهِمْ: ... وَالزَّمَانَةُ مِنَ الْأَطِبَاءِ

زشتی نه چیز از نه گروه بیشتر از دیگران است: [از آن جمله است:] رشوه از پزشکان.



## ۷. تجویز درمان حرام

پیامبر اکرم (ص) فرمود:

انَّ اللَّهَ أَنْزَلَ الدَّاءَ وَالذَّوَاءَ وَجَعَلَ لِكُلِّ دَاءٍ دَوَاءً فَتَدَاوُوا وَلَا تَتَدَاوُوا بِحَرَامٍ

همانا خداوند درد و دارو را [با هم] فرو فرستاده و هر دردی دارویی دارد و شما به درمان بپردازید، ولی نه با حرام.

پزشک و پرستار مجاز نیستند در طول درمان بیمار از هیچ وسیله، کار و روش حرامی بهره ببرند، بلکه وظیفه دارند از راه صحیح و مجاز شرعی به درمان بیمار بپردازند. امام خمینی (ره) فرمود:

«نگاه کردن مرد به بدن زن نامحرم چه با قصد لذت و چه بدون آن حرام است و نگاه کردن به صورت و دست‌ها اگر به قصد لذت باشد حرام است، ولی اگر بدون قصد لذت باشد مانعی ندارد و نیز نگاه کردن زن به بدن مرد نامحرم حرام می‌باشد.»

«اگر مرد برای معالجه زن نامحرم ناچار باشد که او را نگاه کند و دست به بدن او بزند اشکال ندارد ولی اگر با نگاه کردن بتواند معالجه کند نباید دست به بدن او بزند و اگر با دست زدن بتواند معالجه کند نباید او را نگاه کند.»

پزشک تا آن‌جا که ممکن است نباید خوراک و نوشیدنی‌هایی که منع شرعی دارد برای درمان تجویز کند، مگر در صورتی که درمان منحصر در آن باشد. امام صادق (ع) فرمود:

انَّ اللَّهَ لَمْ يَجْعَلْ فِي شَيْءٍ مِمَّا حَرَّمَ شِفَاءً وَلَا دَوَاءً

خداوند، شفاء و درمان را در اشیاء حرام قرار نداده است.

شخصی از ایشان درباره داروی مخلوط به شراب پرسش کرد، در پاسخ فرمود:

«نه! به خدا سوگند دوست ندارم به آن بنگرم؛ تا چه رسد که با آن مداوا کنم. چنین دوابی چون پیه و گوشت خوک [پلید] است، گرچه برخی از مردم با آن درمان می‌کنند.»

مفضل بن عمر از امام صادق (ع) پرسید: «چرا خداوند، شراب، مردار، خون و گوشت خوک را حرام کرده است؟» آن حضرت در پاسخ فرمود: خداوند سبحان از روی میل و علاقه یا بی‌رغبتی چیزی را حلال یا حرام نکرده است، بلکه با آفرینش آفریده‌ها آگاه بود که قوام و مصلحت بدن آنها به چیست، و از روی لطف و مصلحت، آنها را حلال و مباح اعلام کرد و نیز از چیزهایی که به زیان بندگان است آگاه بود و آنها را ممنوع و حرام کرد. آن‌گاه همین محرمات را برای فرد مضطر در هنگام اضطرار، مباح کرد و به او اجازه داد تا به اندازه رفع نیاز- نه بیشتر- مصرف کند.

## ۸. شتاب‌زدگی

منظور از شتاب‌زدگی، اقدام زود هنگام در انجام کار است. همان‌گونه که عدم دقت در معاینه و اقدام دیر هنگام در رسیدگی و معالجه بیمار، برای پزشکان آفت است و گاهی سبب تلف شدن بیمار می‌شود یا درمان او را مشکل‌تر می‌کند، اقدام زود هنگام نیز آسیب اخلاقی است.

آیات و روایات فراوانی درباره شتاب‌زدگی وجود دارد. قرآن کریم می‌فرماید:

خُلِقَ الْإِنْسَانُ مِنْ عَجَلٍ سَأَرْبِكُمْ آيَاتِي فَلَا تَسْتَعْجِلُونِ. (انبیاء: ۳۷)

آدمی شتابکار آفریده شده است. آیات خود را به شما نشان خواهم داد، شتاب نکنید.

راه سعادت این است که انسان در هر کاری که قدم می‌گذارد، با نهایت دقت و هشیاری و به دور از هرگونه عجله، جوانب آن را بررسی کند و از هرگونه پیش‌داوری و اقدام عجولانه بپرهیزد.

رسول اکرم (ص) می‌فرماید:

أَمَّا أَهْلَكَ النَّاسَ الْعَجَلَةَ وَلَوْ أَنَّ النَّاسَ ثَبَّتُوا لَمْ يُهْلِكْ أَحَدٌ

شتاب، مردم را هلاک کرد و اگر مردم خویشتن‌دار بودند، هیچ‌کس به هلاکت نمی‌رسید.

از این روایت استفاده می‌شود که بیشتر هلاکتهایی که بر اثر حوادث غیرمنتظره و ناپخته پیش می‌آید در اثر عجله است.

شتاب‌زدگی، با سرعت و اقدام به موقع تفاوت دارد. سرعت آن است که انسان پس از فراهم شدن مقدمات و شرایط لازم، فرصت را از دست ندهد و به انجام کار اقدام کند. امیر مؤمنان (ع) درباره تفاوت عجله و سرعت در کارها می‌فرماید:

أَيَّاكَ وَالْعَجَلَةَ بِالْأُمُورِ قَبْلَ أَوَانِهَا، وَالتَّسَاقُطَ فِيهَا عِنْدَ امْكَانِهَا

بپرهیز از عجله در کارها، قبل از رسیدن موعد آنها؛ و از سستی در کارها، هنگام رسیدن زمان [و فراهم شدن اسباب] آن بپرهیز.

عجله در درمان سبب اتلاف وقت و فزونی لغزشها می‌شود. پزشک عجول، بیشتر اوقات گرفتار لغزشهای مختلف می‌شود، چه در تشخیص بیماری و چه در راه درمان آن. امام علی (ع) می‌فرماید:

مَنْ عَجَلَ كَثُرَ عَثَرُهُ

هر کس عجله کند لغزش او بسیار خواهد بود.

## ۹. بی‌اعتنایی به سوگندنامه پزشکی

پیش‌کسوتان طبابت مسئولان بهداشت و درمان برای حرفه مقدس پزشکی سوگندنامه و قانون تهیه کرده‌اند که به امضای دانشجویان رشته‌های پزشکی می‌رسد و پای‌بندی بدان از اصول اخلاق و حرفه پزشکی است و بی‌اعتنایی به آن با شأن و منزلت پزشک ناسازگار است.

موفق و مؤید باشید

احسان فردآقایی